

یادداشت سیاسی

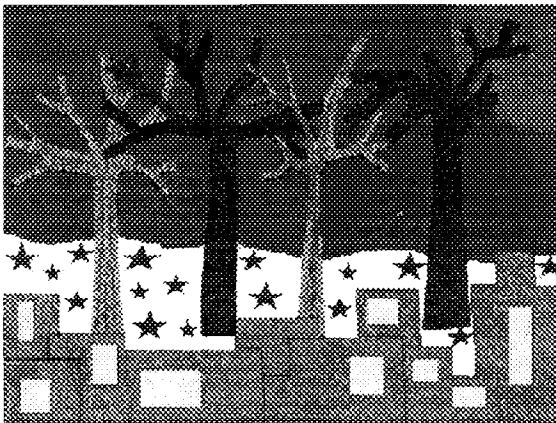
— مهدی سامع
mehdi_samee@yahoo.com

سرمقاله —

استراتژی سترون
بستر تاکتیکیهای شکست خورده
در صفحه ۲

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

شنبه ۳ فوریه - آلمان، فرانکفورت
شنبه ۱۰ فوریه - آمریکا، دالاس



۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل گرامی باد

سی امین سالگرد حماسه سیاهکل، سراغاز جنبش نوین کمونیستی را با گسترش مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و تحقق استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم گرامی داریم

گردهمایی در آلمان و آمریکا

سخنرانی، پرسش و پاسخ و برنامه های هنری

آلمان، فرانکفورت شنبه ۳ فوریه - ساعت ۳/۵ بعد از ظهر

سخنران: مهدی سامع

آدرس: دانشگاه فرانکفورت، ساختمان آستا، طبقه اول

Studierendenschaft

Der J.W. Goethe - Universität

Studenten ausschuss

Meton str 26 - 28

60325 Frankfurt

تلفن ارتباطات 00 49 171 16 46 333

آمریکا، دالاس شنبه ۱۰ فوریه - ساعت ۳ بعد از ظهر

سخنران: زینت میرهاشمی

آدرس:

DAVIS LIBRARY

7501 INDEPENDENT PARKWAY

PLANO / DALLAS

ماه گذشته سرکوب، بازداشت، شکنجه، سنگسار و اعدام در رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما ابعاد گسترده و بی سابقه ای پیدا کرد. شاهرودی رئیس قوه قضائیه اعلام نمود که حکم اعدام برای ۸۰۰ نفر صادر شده و این احکام اجرا خواهد شد. صدور حکم وحشیانه سنگسار برای زنان، خلق آویز کردن دو جوان در انتظار عمومی و پخش تلویزیونی این اقدام سرکوبگرانه، اجرای حکم اعدام در مورد ۶ تن در روز ۲۸ دی ماه، دستگیری گسترده در مراسم خصوصی در آغاز سال جدید میلادی، توقیف روزنامه ها و بالاخره اعلام احکام جابرانه زندان و تبعید در مورد شرکت کنندگان در کنفرانس برلین از سوی دادگاه انقلاب اسلامی.

تمامی ارگانها و نهادهای سرکوبگرانه تحت امر ولی فقیه، در ماه گذشته برای ایجاد رعب و وحشت بسیج شدند تا بتوانند در ایجاد فضای خفقان چند صباحی دیگر به عمر ننگین حکومت خود بیفزایند. آیت الله مصباح یزدی تفرق و انزجار مردم ایران از استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما را به بهترین نحو بیان می کند و می گوید: "به اعتقاد قلبی من از زمان خلقت آدم تا کنون، شرایط فرهنگی هیچ زمانی، بحرانی تر از امروز جامعه ما نبوده است." (ایرنا ۱۵ دی). وی ادامه می دهد که "امروز شرایط بحرانی است، امروز آماده باش کامل است. من و شما وظیفه داریم با تجهیزات مناسب در برابر این حربه های دشمن بایستیم." (همانجا) و همان طور که دیدیم دستگاهها سرکوبگر جمهوری اسلامی در این شرایط "بحرانی" و با شیوه های سرکوبگرانه که مصباح یزدی آن را "تجهیزات مناسب" می نامد به هر جنایت و وحشیگری دست زدند.

استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما و تئورسینهایش وقتی مردم را وحشیانه سرکوب می کنند، ادعا می کنند که از "ارزشهای مقدس" دفاع می کنند. اما ما

در عمل می بینیم که این "ارزشهای مقدس" بر حسب منافع و مطامع ولی فقیه و ایادی سرکوبگر آن، برای یک شرایط ثابت، چند گانه تفسیر می شود. به طور مثال خامنه ای و دستگاه قضایی تحت امر او از زبان کیفر خواست مربوط به شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، اعلام نمود که شرکت در این کنفرانس "اقدام علیه امنیت داخلی ایران" است. اما در هفته پایانی ماه گذشته وقتی احکام بی دادگاههای انقلاب اسلامی در مورد شرکت کنندگان در کنفرانس برلین علنی شد، معلوم گردید که از نظر دستگاه قضایی رژیم می توان کسانی را به خاطر شرکت در کنفرانس برلین محکوم به زندان کرد و کسانی را تبرئه. این البته گر چه در ظاهر یک نوع "دوگانگی" و "تناقض" است، اما در محتوا، بیان کننده یک سیاست واحد است.

نقطه مشترک تمام شرکت کنندگان در کنفرانس برلین این بود که همگی آنان خود را ملتزم به نظام ولایت فقیه و قانون اساسی آن و فعالیت قانونی می دانستند. تمام تلاش همگی آنان که در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شدند این بود که ثابت کنند در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، اصلاح و رفرم امکان پذیر است. در دادگاه انقلاب اسلامی هم تمامی این افراد بر همین مواضع تاکید کردند. اما خواست دستگاه سرکوب از کسانی که محاکمه می کرد، تسلیم و ندامت کامل بود و میزان محکومیت نیز بر اساس میزان تسلیم و ندامت تعیین شده است. از این رو به طور قطع باید گفت که آن "ارزش مقدس" که سران رژیم و گردانندگان دستگاه قضایی و بی دادگاههای سرکوبگر آن نگران آن هستند، نه "اسلام"، نه "ایران" نه "امنیت کشور" نه "قانون" و نه "اخلاق عمومی" و ... بلکه "ولایت فقیه" و حکومت استبدادی - مذهبی حاکم است. تمامی سرکوبگرهای جمهوری اسلامی فقط و فقط برای حفظ همین حکومت ننگین است.

استراتژی سترون بستر تاکتیکهای شکست خورده

— منصور امان

mansour_aman@yahoo.com

خود کفائی جمهوری ملاحا در عرضه عجایی که پیراهن مندرس هزار و چند صد ساله برتن دارند و بوی عقب ماندگی آنها با هُرمی که غارنشینان تنفس می کردند، از غلظت مشابهی برخوردار است، نکته تازه ای نیست. و شاید از این روست هنگامی که جریان موسوم به دوم خرداد تنها پس از بدست گرفتن قدرت به فکر "تدوین استراتژی" خویش افتاد، چندان غیر منتظره جلوه ننمود. پیشتر، این دسته از کارگزاران حکومت، همانند رقبای کنونی خود در حل و فصل مسائل میرم سیاسی، وفادارانه از شیوه نیاکان کوهستانی اش پیروی می نمود. آن چه که چماقداران ریشو در پس خود لاینحل باقی می گذاشتند، "استراتژیست" های دیگر با شلاق و سرب داغ به جبران آن همت می گماردند. اینان همواره تقابل خط مشی ها را زورآزمایی برای تنازع بقاء انگاشته اند و در همین راستا نیز عمل کرده اند. با چنین مبادی فکری بسیطی، حتی تصور نیمه کاره به تدابیر پیچیده تر هم خیال پردازی خواهد بود.

اگر از قدرت کنار زده شده های "حط امامی" ناگهان کشف نمی کردند ذخائر اجباری مشرووعیت نظام بسه انتهای خود رسیده، حیات تک یاختی سیاست نوع ملا و مکلا می توانست کماکان زیست بی فرجام خود را مهلتی چند ادامه دهد. اما بدست گرفتن سکان ریاست جمهوری توسط آنها، همزمان بر دوران خوب راه رلهای ساده نقطه پایان گذاشت و با شکاف در ساختار قدرت، دو جبهه اصلی "خودی" یکدیگر را در برابر هم و در هیأت رقبای سیاسی باز یافتند. کاربرد ابزارهای مانوس، حداقل تا هنگامی که یکی موجودیت دیگری را تهدید نمی کند، می توانست هر دو جناح را با سوال مرگ و زندگی روبرو سازد. اما این واقعیت در هدف هر دوی آنها مبنی بر تعیین نتیجه این کشاکش بسود خود، تغییری نمی توانست بدهد. از سوی دیگر فقدان ریز ساختهای دموکراتیکی که حاجایی قدرت را نظم و رسمیت بخشید و در یک مسیر متعارف هدایت کند، در هر حال ارجاع دو رقیب به روش حذف را به عنوان آخرین راه حل عقلانی ناگزیر می سازد. بنابراین به غلاف بردن گرز های چوبین و آتشین یا بیرون کشیدن آنها، همواره بحثی در حیطه امکانات و شرایط باقی خواهد ماند.

برای دسته ای که پیرامون ولایت فقیه گردآمده اند - در نظر به اهرمهایی که در اختیار دارند - تلفیق قهر و فشار عینی ترین سیاست ممکن است. علاوه بر این نیز مرزبندیهایی که رقیب آنان خود را ملزم به رعایت آنها می داند، درجه کارائی سیاست مزبور را به گونه موثری افزایش می دهد. "مصالح نظام" این بارقههر را در چهره صرفا اجرایی پاسدار و زندان نمی بیند بلکه بدان هویتی قانونی هم می بخشد. اگر چه استناد به جوهره سرکوبگر رژیم که از جمله، در ارکانی که آن را نمایندگی می کنند پدیدار می گردد، خطر عریانی تام و تمام بهادهای گوناگون آنرا در بر دارد اما به نظر می رسد باند ولایت فقیه عواقب برنده شدن در یک صحنه نبرد و شکست در جنگ را به جان خریده باشد. جناح "دوم خرداد" از آنجایی که در مصاف با حریف خود، به منظور یابین نگاه داشتن هزینه، قصد استفاده از ابزارهای مشابه را دارد ولی عملا از آنها برخوردار نیست، به ناگزیر طریق بجات خود را در التماس و اخاذی یا آن گونه که تمایل دارد نامیده شود، "چانه زنی در بالا، فشار از پایین" می جوید. توسل بخش مغلوب رهبران جمهوری اسلامی به تدابیر سیاسی اگر چه تنگنای مسأله قدرت را در همه ابعاد آن به نمایش می گذارد ولی همزمان نمونه های جالبی نیز از سردرگمی تاکتیکها در صورت سترون بودن استراتژی را به نمایش می گذارد.

نخستین نشانه های تلاش برای یافتن یک راه حل سیاسی هنگامی پدیدار گردید که دولت خاتمی با مجلس پنجم روبرو شد. استیضاح وزرای او و تصویب شتابزده لایحه های گوناگونی مانند مطبوعات و خارج نمودن نهادهای تحت سرپرستی ولایت فقیه از نظارت دولتی، همه، اقداماتی بود که نو به قدرت رسیدگان را ناچار به تامل می ساخت. آن چه که بعدها "پروژه تسخیر مجلس ششم" نام گرفت، حاصل این روند بود. تاکتیک سیاسی دیگر خاتمی و پاراناش نیز مانند تدبیر پیشین، قبل از آنکه نتیجه تعمق مستقل آنان برای تدوین گامهای جدید باشد، واکنش در برابر رقبائی بود که بتدریج ابتکار عمل را در دست می گرفتند.

تنها پس از آنکه باند ولی فقیه چهره های برجسته دوم خردادی را برندان افکند و موفق به خنثی کردن وزارتخانه های ارتداد و کشور گردید و مطبوعات دگراندیشان حکومتی را به تعطیلی کشاند، سیاست "ارامش فعال" متولد شد. و این در حالی بود که نه در خلال خودداری شورای نگهبان از تایید انتخابات مجلس و نه در جریان ترور حجاریان و تعطیلی روزنامه سلام، نشانه های حدت گرفتن و سیستماتیزه شدن

تهاجمات جناح "محافظة کار"، از سوی دوم خرداد جدی گرفته نشده و با انفعال آنها مواجه گردیده بود. سیاست "ارامش فعال" تنها لایسی رسمی بود که به یک خط مشی جاری و اعلام نشده پوشانده می شد. و آن گونه که بعدها آشکار گردید کارائی آن بیش از آن که در کارزار علیه ولایت فقیه به آزمایش گذاشته شود، در متوقف نمودن و بند زدن به نیروهای "فعال" دوم خرداد موفقیت خود را به اثبات رساند.

تلاش برای بدست گرفتن مجلس ششم که بیش از دو سال سرمایه گذاری سیاسی، تشکیلاتی و مطبوعاتی را به خود اختصاص داده بود سرانجام نه تنها به معجزه ای که جناح خاتمی بیصبرانه به انتظار ظهور آن چشم دوخته بود منتهی نشد بلکه بن بست سیاسی کلیه اقداماتی که بر پایه قانونمدارانه ساختن "اصلاحات" انجام می گیرد را به روشنی به نمایش گذارد. تشکیل "شورای هماهنگی جبهه دوم خرداد" برای "تدوین استراتژی" و زمره های "عبور از خاتمی" یک واکنش تبلیغاتی - عصبی و نه تامل شده به این وضعیت بود. زیرا با توجه به انتخابات در پیش ریاست جمهوری هر طرح سیاسی که نقطه تفل آن را دفاع از این سنگر فتح شده تشکیل نمی داد و وظایف مقدم نیروهای در صحنه را بر این مبنا تعیین نمی کرد، نتایج واژگونه ای در بر می داشت و مستقیما در خدمت جناح حامنه ای قرار می گرفت. از سوی دیگر تعویض اسب در حین مسابقه، نشان اندکی از دوراندیشی سیاسی داشت و شانس پیروزی دوم خرداد در انتخابات را که در صورت حضور خاتمی افزایش می یابد، بی سبب دستخوش مخاطره می نمود. بی یا با "شورای هماهنگی ... دانه" تدوین استراتژی" در پهنه ای که هم اکنون شاهد آن هستیم، محدود می ماند، یعنی انتخابات ریاست جمهوری و بازهم همین انتخابات! تمام آن چه که "استراتژی" های جناح خاتمی قادر به برپاساختن هستند، طرح ریز مجموعه هایی برای عینی ساختن سیاست دوسویه التماس و اخاذی است. محورهای نبرد انتخاباتی در راه، که از هم اکنون در روزنامه ها و محافل سیاسی حکومت مورد بحث قرار گرفته اند، جز این را نمی گویند. جرقه های نبوغ "شورای هماهنگی ... نه سه بخش خلاصه می شود:

۱- خاتمی می آید یا نمی آید؟
۲- شروط خاتمی برای آمدن
۳- تبدیل انتخابات به رفراندوم
برای دریافت اینکه دو خط نخستین در کادر التماس و خط پسین در کادر اخذی قرار می گیرند، به تعمق زیادی نیاز نیست. کوشش هماهنگ و مضحک دوم خرداد برای ایجاد جنجال تبلیغاتی

پیرامون محورهای یاد شده و تبدیل آنها به موضوعات اصلی سیاست در لحظه کنونی، مانع از آن می شود که خطوط مزبور از ارزش یکسانی برای جدی گرفته شدن برخوردار باشند. نامزدی خاتمی حداقل برای جبهه دوم خرداد تقدیری گریز ناپذیر است، و این را نه فقط عدم وجود کاندیدای دیگری که صلاحیت های لازم! برای عبور از سد شورای نگهبان را داشته باشد، توضیح می دهد. او به اتکاء "بستی که در اختیار دارد نماد سیاسی یک کلیت برنامه ای است که با هدف تحقق آنها، به غلط یا درست، ساخته و پرداخته گردیده و بر فراز یکی از بلندترین تریبونهای سیاسی حکومت به نمایش گذاشته شده است. بالطبع "تسامد" او هدر رفتن همه مخارجی است که به پای رئیس سرخورده و گمنام کتابخانه ملی هزینه شده است. انبان دوم خرداد خالی تر از آن است که سادگی قادر به جبران این خسارت باشد، به این واقعیت آنها خود بهتر واقفند و هم از این روست که حتی کم هوش ترین رقبای آنان نیز برای این "تاکتیک" و دست خالی بنهان در پشت آن، حساب ویژه ای باز نمی کنند.

"تبدیل انتخابات به رفراندوم" نیز تیر دیگری در تاریکی ست که جا دارد به خاطر وسعت خیالپردازی طراحانش مورد تقدیر قرار بگیرد! احسان - نه چندان به حق - اندیشه در صفوف دوم خرداد، در توضیح تاکتیک دهیانه خود از به رای گذاشتن برنامه های این جناح همزمان با کاندیدای آن در برابر رقیب سخن می گوید. کمی تسون لحنند آقای خاتمی به مرور زمان چندان رنگ باخته که دوم خرداد این بار وعده های عمل نشده اش را تحت عنوان برنامه به پشتیبانی اش می فرستد.

شاید برگزینی معرط انتخابات فرمایشی با نتایج از پیش تعیین شده، این واقعیت بدیهی را از خاطر کارگزاران جمهوری اسلامی پاک کرده باشد که شرکت نامزد یا نامزدها در انتخابات - هر انتخاباتی که اشغال پست یا پستهایی را نتیجه داشته باشد به اتکاء اهداف اعلام شده آنان مفهوم می یابد و براین اساس رای دهندگان به گزینش می پردازند. این یک روند عادی و شناخته شده در کشورهایی است که نظر رای دهندگان به راستی قادر به تعیین سرنوشت انتخابات می باشد و کاندیدها فقط در صورت اقتاع و جذب آنها می توانند برای خود شانس انتخاب شدن را متصور شوند. کشف گنج کننده دوم خرداد نه امتیازی به رای دهندگان است و نه می توان آنرا به اسم "رفراندوم" به کسی غالب کرد.

اخبار کارگری

کارگران شرکت علاء الدین

روزنامه ی رسالت ۲۶ آذر: حدود ۲۵۰ نفر از کارگران شرکت علاءالدین در اعتراض به اوضاع نابسامان این شرکت و عدم پرداخت حقوق حقه شان جاده ی مخصوص کرج را به مدت ۱۰ دقیقه مسدود کردند.

کارگران شرکت جامکو

تلویزیون شبکه خبر ۲۶ آذر: گروهی از کارگران شرکت جامکو امروز در مقابل یکی از دفاتر این شرکت در تهران تجمع کردند. خبرنگار ما گزارش می دهد: مطلع شدیم که تجمع اعتراض آمیزی از طرف کارگران کارخانه جامکو صورت گرفته، به میان این افراد خواهیم رفت و علت تجمع و اعتراضشون رو جویا خواهیم شد.

س: مشکل چیه که تعدادی این بالا و تعدادی هم توی خیابان تجمع کردید یک مرد: ما کارکنان شرکت جامکو هستیم، حدودا ۱۳ ماه حقوق نگرفتیم، مشکل مالی داریم، همه مون، فرد فردمون. مرض داریم، گرفتاری، نداریم، نمی ده صاحب کار هم حقوق ما رو یک زن: نازسال ۷۷، عماه طلبکارم، عیدی و پاداشت ۷۸ هم مانده، ۷۹ کلا مانده، طلبکارم، فقط به ما وعده و وعید می دهند، می گویند باشه می دهم، حقوق شما رو می دهم، عقب افتادگی هم می دهم، کار کنید، ما کار هم می کنیم، اما حقوق به ما خبری نیست. یک زن: ما حقوق نگرفتیم، آقایون قول می دهند، ولی خوب به قولشون عمل نمی کنند، ما همه مون مشکل مالی داریم.

س: کار شما توی این شرکت چیه؟ یک زن: فقط خیاطی است. کت و شلوار دوزی هستیم. فقط کت و شلوار می دوزیم.

س: حقوقتون ماهی چقدر است. ج: حقوق من، چیزی نیستش که قابل گفتن باشه، یعنی ۷۰ تومن حقوق من دریافت می کنم در برج.

س: الان کلا شما چقدر طلبکارید از شرکت

ج: حساب کن الان، ۶ ماه از ۷۷ و در ۷۸ عید و پاداشت مانده، از ۷۹ هم الان چیزی نمونده که اون هم طلبکارم.

س: الان ریاست این مجموعه عوض شده؟

ج: بله، آقای ریشادی داده شده، اول صنایع بوده، حالا به آقای ریشادی داده شده، از ساعتی که آمده همینجوری گرفتاری داریم. از ساعتی که این شرکت رو خریده. شش سال پیش خریده از آن ساعتی که خریده همین دورغه

تعداد بیکاران تحصیلکرده چهار برابر شد

روزنامه دوران امروز ۲۷ آذر: در شرایطی که نرخ بیکاری کسانی که مدارک عالی دارند طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ حدود ۳،۹ درصد ثابت بوده است، این نرخ به ۱۵ درصد رسیده است. دکتر فاطمه نظیفی کارشناس مسائل اقتصادی کشور با اعلام این مطلب به خبرنگار دوران امروز افزود: براساس آمارهای مرکز آمار کشور باین افزایش یازده درصدی اکنون بیش از ۲۸۶ هزار نفر از بیکاران کشور دارای مدارک عالی هستند.

کارگران بیمارستان

نیشابور

جمهوری اسلامی ۳۰ آذر: کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور اعلام کرد: اعتراض کارگران بیمارستان نیشابور نسبت به واگذاری آن، حق طبیعی آنان بشمار می رود. این کانون در بیانیه ای که دیروز منتشر کرد، اعلام نمود: هیچ فرد و گروهی را نمی توان متهم به دفاع از حقوق خود ساخت، زیرا این بیمارستان و دیگر مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی به وسیله اموال بیمه شدگان کارگر ساخته و تجهیز شده اند.

آمارهای نرخ بیکاری در کشور واقعی نیست.

تلویزیون رژیم ۴ دی: معاون اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی آمارهای منتشر شده بانک مرکزی و مرکز آمار ایران که نرخ بیکاری را در کشور ۱۲ تا ۱۳ درصد اعلام کرده اند، غیرواقعی دانست و تأکید کرد بررسیهای وزارت کار نشان می دهد میزان نرخ بیکاری بیشتر است.

بحران اشتغال بمب ساعتی در حال انفجار است

آفتاب یزد ۱۳ دی: دکتر مجید قاسمی، رییس انیسق بانک مرکزی دیروز در دانشگاه اقتصاد تهران گفت: در حال حاضر ظرفیت مراکز تولیدی ما کمتر از ۵۰ درصد است، و نرخ بیکاری طبق برآورد سازمان مدیریت که در هفته پیش اعلام شد، در گروه سنی تا ۲۵ سال که بحرانی ترین سن است، ۳۰ درصد می باشد.

کارگران ماشین سازی تبریز جمهوری اسلامی ۱۰ دی: ۶ روز اعتصاب کارگری در کارخانه ماشین سازی تبریز حدود ۱،۵ میلیارد ریال ضرر به کارخانه وارد کرده است. مهندس بادامچی مدیر عامل کارخانه ماشین سازی تبریز در گفتگویی با اعلام مطلب فوق افزود: متأسفانه به علت مشکلاتی که در امر واگذاری یک کارگاه رنگ کاری به بخش خصوصی در کارخانه بوجود آمد و به کلیه کارگاهها سربایت نمود مشکلات عدیده ای در امر تولید ایجاد شد. چنانکه در عرض ۶ روز اعتصاب، روزانه بیش از ۲۱ میلیون تومان خسارت به کارخانه وارد آورد.

بحران کارگری

روزنامه دوران امروز ۲۳ آذر: این روزها از گوشه و کنار کشور اخبار ناخوشایندی راجع به تجمع های اعتراض آمیز و اعتصابات کارگری به گوش می رسد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی و دست اندکاران صنعت کشور معتقدند بحران نقدینگی کارخانه ها و عدم تأمین نیاز مالی آنها از سوی سیستم بانکی سبب بروز چنین مشکلاتی شده است و تمام معضلات را برگردن بانک مرکزی می اندازند. این درحالی است که برخی کارشناسان نگرش فوق را کمی خوشبینانه می دانند و معتقدند با توجه به فرایند خصوصی سازی در کشور بحران های این چنینی ساخته و پرداخته دست عده ای است که مایلند کارخانه های دولتی منتخب جهت واگذاری به بخش خصوصی را به قیمتی کمتر از حد واقعی به چنگ آورند.

کارگران شرکت علاء الدین

خبرگزاری فرانسه ۱۳ دی: تعدادی از کارکنان شرکت علاءالدین سازنده بخاریهای گازی و نفتی در مقابل دفتر فرمانداری کل تهران به خاطر پرداخت نشدن حقوق ماهانه شان از ده ماه قبل تا کنون گرد آمده و دست به اعتراض زدند. نزدیک به ۳۱۰ نفر از فرمانداری درخواست کرده اند که به مشکل آنها رسیدگی کند. (بعدا فرمانداری مزد این کارگران را پرداخت کرد و از آنها خواست که صورت حساب دکتر را نیز برای شرکت بیمه ارسال کنند) بعلاوه دلایل عملی دیگری برای پرداخت حقوق عقب مانده این کارگران از قبیل برنامه های شرکتهای بیمه و پزشکی وجود دارد.

استراتژی سترون بستر تاکتیکیهای شکست خورده

بقیه از صفحه ۲ از سوی دیگر برنامه خاتمی هرچه که باشد بنابه سنت عهد بوقی جمهوری ملاحا، موضوع آن چه که از انتخابات حاصل می گردد، نخواهد بود. او در صورت پیروزی با این یا آن برنامه، سرانجام در همان جایگاه حقوقی پیشین و تحت همان چارچوب قانونی پیشین اختیار عمل خواهد داشت. هرگاه در

قانون اساسی رژیم، یک جایگاه پدرخواندگی برای ولی فقیه رزرو نمی شد، آن گاه به راستی برنامه های رئیس قوه مجریه می توانست چارچوب اصلی سیاست در خلال دوران برگراری اش را تشکیل دهد و به همین دلیل نیز قادر بود به محور تعیین کننده یک انتخابات تبدیل شود. غلبه بر این تقسیم ناموزون قدرت با توجه به درهم تنیدگی آن با ساختارهای ایدئولوژیک، سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی هرگز نمی تواند به صورت یک تم جانبی و آن هم در یک انتخابات به مراتب کم اهمیت تر، صورت پذیرد. در حکومت استبدادی - مذهبی ولایت فقیه، نزدیک شدن به این انگاشت - ونه حتی پرداخت بدان - مستلزم فراهم آمدن پیش زمینه های متعددی است که اهداف اعلام شده دوم خرداد، فرسنگها از آنها فاصله دارد. بدین ترتیب تنها محصور قسابل بحث، "تردیدها" (کروبی) و یا "شروط" (رضا خاتمی) "آمدن" است، در حالی که برای خود دوم خرداد نیز به روشنی معلوم نیست خواهان چه

اختیارات ویژه ای است و مایل به واگذاری کدام سنگرها به خویش می باشد، اصولاً زاویه ورود آنان به این کشاکش یا به بیان دقیق تر معامله، بیان کننده حقایق دیگری می باشد. در یک تبادل ساده، شرط برای طرفی گذاشته می شود که بیشترین سود را از معامله می برد. حال سؤال این است جناح ولایت فقیه در نامزدی خاتمی و ادامه ریاست جمهوری او کدام منافع را برای خود متصور می کند که این گونه آب در دهان دوم خرداد جمع شده است؟ یک رئیس جمهور ضعیف؟ آویختن به توهم "اصلاح پذیری نظام" و خرید فرجه؟ زرباب کردن قطعی سر دوم خرداد در سایه حاشیه های امنی همچون "آرامش فعال"؟ به تعداد سیاست های تردید آمیز، خودغرضانه و بزدلانه دوم خرداد که مقاومت باند ولایت فقیه در برابر خود را تنها سرسختانه تر کرده است، بر این فرضیات می توان افزود. مهم اما این است که جناح مزبور یک بار گذشته، تعیین تکلیف خویش را به عهده رقبای خود گذاشته است. طرح "شرط" مشت او را نه فقط در برابر ولایت فقیه، باز می کند و در نهایت آنرا علیه خود او به کار می اندازد. ریرا آن که از این دو جناح، راه را تا به آخر خواهد رفت نه دوم خرداد بلکه ولایت مطلقه است. اشتراک در اصلی ترین سرچشمه های فکری و سیاسی با "محافظه کاران"، جا و مجالی برای تاکتیکیهای دوگانه باقی نمی گذارد و صورت حساب در هیأت تدابیر شکست خورده و بی ثمر صادر می گردد.

زنان و مسیر رهایی

— لیلا

usalayla@yahoo.com

هدیه بیل گیت به سازمان بین المللی زنان

دوشنبه ۱۱ دسامبر - به گزارش رویتر - بیل گیت، میلیونر معروف، بنیانگذار مایکروسافت و یکی از ۶ نفر از ثروتمندترین افراد جهان، مبلغ ۸/۸ میلیون دلار به سازمان بین المللی برنامه خانواده اهدا کرد. این پول از طریق این سازمان برای کمک به زنان در ۱۸۰ کشور جهان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بیل گیت و همسرش تا به حال ۲۰ میلیارد دلار به این سازمان کمک کرده اند.

کنفرانس زنان به دعوت هیلاری کلینتون

سه شنبه ۱۲ دسامبر - خبرگزاری رویتر اعلام کرد که هیلاری کلینتون از زنان سیاستمدار در ایرلند شمالی و هم ردیفاندر در اروپا که از تجربه بیشتری برخوردار هستند برای شرکت در یک کنفرانس دعوت کرد. او معتقد است که زنان سیاستمدار ایرلندی در این کنفرانس می توانند از تجربه زنان انگلیسی، اسکاتلندی و دیگر کشورهای اتحادیه اروپایی استفاده کنند. سخنگوی هیلاری در این رابطه گفت: "مسائل بزرگی در این نقطه جهان حل نشده باقی مانده است. اما زنان تا به حال ثابت کرده اند که در برقراری دموکراسی و صلح تأثیر به سزایی داشته اند." او هم چنین گفت: "آنچه تا به حال خانم کلینتون تجربه کرده این است که زنان وقتی در کنار هم قرار می گیرند با هر ایدئولوژی و تفکر قادر هستند که وجه مشترکی بین خود پیدا کنند. آنها می توانند صلح و ثبات را برقرار کنند."

دادگاه سمبلیک در ژاپن

سه شنبه ۱۲ دسامبر - دادگاه سمبلیکی که در ژاپن از طرف سازمانها و گروههای مدافع حقوق بشر تشکیل شده بود (شرح در نبرد خلق ۱۷۶) فرمانروای ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم را مقصر شناخت. به گزارش بی بی سی سسی Hirohito به خاطر آن که سربازان ارتش به طور سیستماتیک زنان آسیایی را آزار داده و آنان را بردگان جنسی خود می کرده اند مجرم شناخته شد. گابریل مک دونالد یکی از ۴ نفر

قضات این محاکمه گفت: "مقامات بالا و فرمانده ها مسئول اعمال رده های پایین تر هستند."

دولت ژاپن چندی پیش حاضر نشد مسئولیت این جنایات نسبت به زنان را قبول کند بنابراین سازمانهای غیر دولتی و اشخاص سرشناس بین المللی این دادگاه سمبلیک را تشکیل دادند. زنان حاضر در این دادگاه که خود نیز از قربانیان و نماینده ۲۰۰ هزار زن قربانی ارتش ژاپن بودند از کشورهای کره شمالی، کره جنوبی، فیلیپین، چین، تایوان، اندونزی و ... هلند بودند.

تجاوز و عکس العمل زنان استرالیایی

چهارشنبه ۱۳ دسامبر - مرکز فعالیت علیه تجاوز جنسی در استرالیا گزارش داد که زنان مسن تر اکثراً تجاوز نسبت به خود را به پلیس اطلاع نمی دهند. در این گزارش که خبرگزاری آسوشیتدپرس آن را مخابره نموده، آمده است که طبق آمار ۵/۵ درصد زنان بالای سن ۵۰ سال مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند که ۸۶ درصد زنان بالای سن ۵ سال به پلیس اطلاع نمی دهند. ۹۰ درصد این زنان هرگز تقاضای کمک و درمان نکرده اند و تعداد معدودی که قصد اطلاع به پلیس را داشتند به آنان توجه نشده است. از جمله دلایل این امر بی اطلاعی از چگونگی برخورد با این مشکل، ترس زنان از فشار جامعه که ریشه در خشونت دارد، همچنین مسائل اقتصادی و روحی می باشد. زنان بیماری که توسط افرادی که از آنان مواظبت می کنند مورد تجاوز قرار می گیرند به خاطر نداشتن راه چاره و الترناتیو دیگر مسکوت می مانند.

زنان در بنگلادش و خشونت علیه آنان

دوشنبه ۱۱ دسامبر - یک گروه مدافع حقوق بشر اعلام کرد که ۶۰ درصد زنان متاهل بنگلادش این کشور توسط شوهران یا خویشاوندان سببی خود مورد ضرب و جرح قرار می گیرند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی شمار این خشونت‌های خانگی از شمار قربانیان جنسی در خارج از منزل بیشتر بوده اما اکثر آنها مورد توجه روزنامه ها و رسانه های خبری قرار نمی گیرند. اگر چه خشونت‌هایی که از طرف همسران و یا خانواده آنان برای گرفتن پول مهریه صورت می گیرد مجازات ۱۰ سال زندان دارد اما قتل‌های در ارتباط با آن بدون تنبیه باقی می ماند.

میانگین عمر زنان در کشورهای عربی روزنامه همشهری ۲۰ اذر ۷۹ - بر اساس پژوهشی که اخیراً در ابوظبی صورت گرفته میانگین عمر زنان در کشورهای عربی حدود ۶۶ سال است که این رقم حدود ۲ درصد نسبت به ۵ دهه اخیر افزایش یافته است. همچنین مشخص شده است که میانگین عمر کنونی زنان در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، کرانه های باختری رود اردن، و لبنان ۷۰ تا ۸۸ سال است در حالی که در کشورهای عربی کمتر توسعه یافته از جمله یمن از ۵۱ سال تجاوز نمی کند. خانم السبیتی پژوهشگر اماراتی و رئیس بخش رشد و توسعه زنان سازمان ملل پایین بودن رقم میانگین عمر زنان را نارسایی در خدمات اجتماعی و درمانی، پایین بودن بهداشت در اکثر مناطق روستایی ذکر کرده است. بر طبق این گزارش زنان مصر بهترین وضعیت را دارند زیرا رقم ۵۲ سال در دهه هفتاد به ۷۵ سال در دهه ۹۰ رسیده است.

گزارش ۲۰۰۰ آسیای جنوبی سازمان ملل در

پنجشنبه ۱۴ دسامبر - بنا بر گزارش بخش توسعه انسانی سازمان ملل، از سال ۱۹۹۵ که دولت‌ها متعهد شده اند برای پیشبرد برابری جنسی و بهبود وضع زنان اقداماتی را صورت دهند در آسیای جنوبی هیچ اقدامی در این مورد انجام نگرفته است. به گزارش آسوشیتدپرس. ۶۰ درصد بیسوادی این منطقه را در بالاترین درصد بیسوادی در جهان قرار می دهد. اضافه بر این هیچ اقدامی برای طرح و یا پیشبرد مسائل زنان صورت نگرفته است و در ۵ سال اخیر در برنامه های سیاسی هیچگونه اقدام قابل ملاحظه ای برای تغییر وضع زنان نشده است.

توضیح: دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس یکن در سال ۱۹۹۵ یک پلانفرم ۱۵۰ صفحه ای را امضا کرده و بدین وسیله متعهد شدند در پیشبرد حقوق برابر زنان فعالیت کرده و اقدام به ایجاد شرایط برای تحصیلات مساوی و موقعیت برای اشتغال مساوی با مردان ایجاد کنند. این پلانفرم همچنین از دولت‌ها خواست که زنان را در مقام‌های بالای تصمیم گیری قرار دهند و برای اولین بار در سازمان ملل حق آزادی زنان برای انتخاب مسائل جنسی و بارداری به رسمیت شناخته شد.

کنترل جمعیت در چین

سه شنبه ۱۹ دسامبر - خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرد که اخیراً یکی از روزنامه های دولتی در کشور چین که هم اکنون با جمعیت ۱/۲۶ میلیارد بالاترین جمعیت جهان را داراست، می نویسد: "یکی از مهمترین برنامه های دولت چین پیدا کردن راه‌هاییست که زنان را به بارداری در سنین بالاتر تشویق کند." این روزنامه می نویسد که از سال ۱۹۷۰ و سیاست فقط یک کودک و همچنین رشد و بهبود موفقیت اجتماعی و اقتصادی زنان سبب شده که اندازه خانواده ها از ۴/۸ به ۳/۶ درصد تقلیل یابند. در دو دهه اخیر که چین در شهرها تعداد کودک را به یک نفر و در روستاها به دو کودک چنانچه کودک اول دختر باشد تعیین کرد رشد جمعیت از ۳۰۰ میلیون در سال به ۱۰ میلیون در سال رسید. چین کمونیست که هم اکنون تقلیل رشد جمعیت و از میان بردن فقر و بالا بردن استانداردهای زندگی در زمره فوری ترین و مهمترین برنامه های خود قرار داده است به خاطر اجبار زنان به سقط جنین و عقیم شدن و همچنین سیاست‌هایی که سبب شده است خانواده ها کودکان دختر را به قتل برسانند و یا سقط جنین کنند مورد انتقاد قرار گرفته است.

زنی با سه قلوهایش در بیمارستان

سه شنبه ۱۹ دسامبر - روزنامه کیهان می نویسد که زنی ۲۲ ساله که سه قلو زائیده است. پس از زایمان به خاطر این که نتوانسته است مخارج بیمارستان را پرداخت کند بدون کودکان نوزاد به خانه فرستاده می شود. مقامات بیمارستان بقیه در صفحه ۵

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۴ گفته اند سه قلوها تا زمان پرداخت مخارج در بیمارستان می مانند آنها گفته اند که ما فقط می توانیم به مردم فقیر تخفیف دهیم. به گفته حسابداری بیمارستان روزانه ۷۹ دلار نخسارج نگهداری کودکان در بیمارستان است.

آتش زدن زنان، سلاح انتخابی مردان هند

سه شنبه ۲۶ دسامبر - مردان هندی برای تنبیه زنان خود آنان را معمولاً به خاطر انجام ندادن کامل کارهای خانه و یا اکثراً به خاطر نیاوردن چیزیه به خانه شوهر، با ریختن نفت بر رویشان در شعله های آتش می سوزانند. اکثر این زنان در بیمارستان از ترس و وحشت شوهر و خانواده او این سوختن را تصادف اعلام می کنند و حاضر نیستند حقیقت را بگویند. اما یک دختر ۲۰ ساله به خبرنگاران این طور می گوید: "من یک دختر نازپرورده از میان ۱۰ فرزند پدر و مادرم بودم که پس از ازدواج همواره به خاطر انجام ندادن کارهای خانه تنبیه می شدم، هر چه کار می کردم باز هم کم بود تا یک روز که شوهرم تهدیدم کرد. آن روز از پاک کردن برنج، شستن لباسها، تمیز کردن خانه گرفته تا پختن غذا و نگهداری پسر خواهر شوهرم انجام دادم ولی وقتی او به خانه آمد به خاطر یک کار کوچک که نکردم عصبانی شد و گفت که اگر بتواند زن دیگری می گیرد، لحظاتی بعد در آشپزخانه احساس کردم چیزی به پشتم ریخت وقتی برگشتم مادرش را دیدم که به رویم نفت می پاشید و در دست او کبریت بود" دختر جوان که سرپا سوخته بود و به سختی حرف می زد این بار از خود شجاعت نشان داده و بر خلاف دیگر زنان لب گشوده است. اما شوهر او گفته است که این خودکشی بوده است.

زنان در انتخابات پاکستان

یکشنبه ۳۱ دسامبر - روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: دولت نظامی پاکستان اعلام کرد که با شروع انتخابات منطقه ای اولین قدم به سوی دموکراسی در کشوری با جمعیت ۱۴۰ میلیونی را برداشته است. برای اولین بار دولت پاکستان بسیاری از اعضا بدنه دولت را از زنان و مردم فقیر تعیین کرده است.

دختران دانشجو در ژاپن

دوشنبه اول ژانویه - بنا به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس و روزنامه نیویورک تایمز دختران دانشجو و یا فارغ التحصیل دانشگاههای ژاپن می گویند وقتی به دنبال کار می روند متوجه می شوند که افرادی که با آنها مصاحبه می کنند همگی از یک الگو و روش پیروی می کنند. این دختران با وجود نمرات عالی و آشنایی کامل به زبان انگلیسی که مشتاق و آرزومند به دستیابی به مشاغل مهم و کلیدی هستند از طرف مصاحبه کنندگان با سوالاتی از قبیل زندگی اجتماعی شان چگونه است، دوست دارند منشی دفتر بشوند و یا قصد دارند امشب به کلوب رقص یا کنسرت بروند و آیا می توانید بگویید چند نوع فروشگاه و یا سوپرمارکت در ژاپن است و غیره ... روبرو می شوند. اما وقتی مردان همسن این زنان برای کار مصاحبه می شوند از آنها می پرسند چه رشته ای را خوانده ای و چه اهدافی را دنبال می کنی. تا سال ۲۰۱۵ جمعیت جوان زیر ۲۰ ساله ژاپنی قریب بر یک سوم تقلیل می یابد (حدود ۱۲/۴ میلیون) و این سبب مشکل اساسی کمبود کارمند و متخصص خواهد شد اما کارفرمایان ترجیح می دهند از مهاجران مرد برای این مشاغل استفاده کنند تا از زنان ژاپنی. با وجود این که قانونی برای فرصت مساوی و برابر برای زن و مرد در ژاپن وجود دارد اما متقاضیان کار، وکلا، اقتصاددانان و فعالان حقوق زنان معتقدند که این قانون پیش برده نمی شود. همچنین بنا بر گزارشی مندرج در روزنامه همشهری در آخرین آماری که در نیمه آخر سال جاری تحویل پلیس داده شده از ۴۴۳ مورد اعمال خشونت از سوی شوهران ژاپنی نسبت به همسرانشان نسبت به سال پیش ۲ برابر می باشد. دادستانی ژاپن در این مورد توضیح داد که از این تعداد ۳۲۶ فقره آسیب بدنی ۶۵ فقره قتل و ۵۲ فقره آزار جنسی بوده است.

اعدام در ملاء عام در تهران

یکشنبه ۷ ژانویه - خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرد که امروز مردی ۳۹ ساله که همسر ۲۴ ساله و کودک ۱۹ ماهه خود را به ضرب چاقو به قتل رساند تا با معشوقش فرار کند، در ملاء عام اعدام شد. پدر و مادر این مرد از تقاضای بخشش برای او خودداری کردند. این اعدام در مقابل زندان قصر و در مقابل دید هزاران نفر صورت گرفت.

زنان اسیر در هوستون تگزاس

سه شنبه ۲ ژانویه - به گزارش رویتر مقامات دولت فدرال اعلام کردند که در خانه هایی در مرکز شهر برده داری زنان در شکل مدرن آن کشف شده است. این زنان جوان که چینی و تایلندی هستند به طور قاچاق به آمریکا آورده شده اند. قاچاقچیان دستان آنان را از پشت به در بسته و روزانه ۱۵ مرد به آنان تجاوز می کنند تا روزی که بدهی ۴۰ هزار دلاری خود را پرداخت کنند. این زنان حق استفاده از تلفن و نوشتن نامه و غیره را ندارند.

زنان مسن و گرسنگی

سه شنبه ۹ ژانویه - بنا بر گزارشی درج شده در ژورنال آمریکا و سلامت و بهداشت، حدود یک چهارم از زنان ناتوان و بالای سن ۶۵ سال به دلیل فقر بدون غذا و گرسنه هستند و اقدامات غذا رسانی دولتی مؤثر نبوده است. طبق این گزارش وضع زنان از اقلیتها که طبق آمار ۵۰ درصد غیر سفیدپوست و ۱۳ درصد سفیدپوست می باشند، اسف بارتر است. نویسنده این گزارش می نویسد: "این شدت و حدت فقر در میان زنان غیر سفیدپوست رانسان می دهد." این زنان همچنین به دلیل فقر و گرسنگی دچار بیماریهای افسردگی نیز شده اند.

اتحادی بزرگ برای تظاهرات در واشنگتن در روز مراسم سوگند بوش

هزاران نفر از مخالفان جهانی شدن اقتصاد که در سیاتل و فیلادلفیا تظاهرات عظیمی بر پا کردند و هزاران نفر آمریکایی ناراضی از شیوه شمارش آراء برای انتخابات رئیس جمهوری، مخالفان سیاستهای جورج دبلیو بوش و همچنین هزاران نفر فعالان حقوق بشر با خواستها و پیامهای گوناگون خود، از جمله مخالفت با مجازات اعدام و دفاع از حقوق زنان برای سقط جنین، مدافعان حقوق زنان، افراد و شخصیتهای سرشناس سیاسی هنری و غیره ... برای روز سه شنبه ۲۰ ژانویه که مراسم سوگند جورج دبلیو بوش برگزار می شود در تدارک تظاهراتی عظیم هستند. به گفته اداره پلیس واشنگتن این بزرگترین تظاهرات از سال ۱۹۷۳ تا به حال است که در زمان جنگ ویتنام و سوگندگزاری ریچارد نیکسون در واشنگتن برگزار شد. آقای بیکر از مرکز فعالیتهای انترناسیونالیستی و از سازماندهندگان تظاهرات گفت که "دولت بوش در

نتیجه حذف نژادپرستانه حق رأی دهندگان به رئیس جمهوری رسید و سپس از افرادی که برای دولت خود انتخاب می کند می توان دید که بسیاری از دستاوردهای اجتماعی مترقی، حقوق مدنی و همچنین جنبش زنان به عقب باز خواهد گشت." آقای بیکر یکی از ۱۳۰۰ نفری است که در تظاهرات ماه آوریل در واشنگتن دستگیر شد.

از طرف دیگر رئیس پلیس واشنگتن چارلز رمزی هم اعلام کرد که بیکار نشسته است و برای کنترل این تظاهرات از تمامی ۳۶۰۰ نفر گارد آماده باش پلیس به اضافه ۱۲۰۰ پلیس از دو ایالت مجاور، ویرجینیا و مریلند، استفاده خواهد کرد. او گفت که برای آمادگی خود جهت مقابله با تظاهرات از مطالعه تظاهرات سال ۱۹۷۳ استفاده خواهد کرد. در آن تظاهرات ۶۰ هزار نفر شرکت داشتند که به اتوموبیل نیکسون پوست میوه و سنگریزه پرتاب کردند. او گفت ما با آنها منصفانه رفتار خواهیم کرد و البته این را هم می دانیم که کسی از خوردن آشغال میوه به سرش نمی میرد. سخنگوی بوش نیز گفت دولت جدید به این اعتراض به عنوان حق آمریکائیه با احترام برخورد خواهد کرد. اما بوش که گفته بود "من رئیس جمهور همه آمریکائیها خواهم بود" تا به حال خلاف آن را عمل کرده است و در روز ۲۰ ژانویه با نبرهایی از قبل تهیه شده تظاهرکنندگان که روی آن نوشته شده است "دزد را بگیرید" روبرو خواهد شد.

رژیم ملایان دو زن را به سنگسار محکوم می کند

به گزارش رسانه های حکومتی هفته گذشته، رژیم زن ستیز آخوندی دو زن را به سنگسار در ملاء عام محکوم کرد. روزنامه جوان مورخ ۱۸ دی نوشت: دیوان عالی کشور حکم سنگسار زنی به نام مریم را مورد تأیید قرار داد. وی همچنین به ۱۵ سال حبس محکوم شده بود. روزنامه دوران امروز ۱۴ دی ماه نیز، از صدور حکم سنگسار برای یک زن خبر داد.

به این ترتیب از زمان روی آمدن آخوند خانی، ۱۴ تن به سنگسار محکوم شده اند که ۸ تن از آنان زن بوده اند.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت مجامع بین المللی حقوق بشری، بویژه سازمان های مدافع حقوق زنان را به محکوم کردن این جنایات ضدانسانی فرا می خواند.

۲۰ دی ۱۳۷۹

یادداشت و گزارش

اش. مفسر

otanes_mofaser@yahoo.com

آماده باش کامل ایت الله تمساح

ایت الله محمد تقی مصباح یزدی رئیس مدرسه حقانی در یک سخنرانی در بندر عباس در روز ۱۵ دیماه نسبت به بحران فرهنگی به شدت اظهار نگرانی و برای مقابله با آن، وضعیت "آماده باش کامل" اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری رژیم وی گفت: "از زمان بعثت پیامبر اکرم تا امروز که ۱۴۰۰ سال می گذرد و به اعتقاد من از زمان خلقت آدم تا کنون شرایط فرهنگی هیچ زمانی بحرانی تر از امروز جامعه ما نبوده است." مصباح یزدی افزود: "امروز گفته می شود دین سلیقه بی است و هر کس هر چه دوست دارد و هر چه خوشش می آید [دین اوست] بنابراین نگوید دین این است و دین شما درست نیست." بنا بر همین گزارش وی در سخنرانی دیگری در دانشگاه بندر عباس گفت: "امروز کسانی جرأت می کنند علیه شهادت سخن بگویند و حتی کسانی با پسوند های اسلامی شهادت سید الشهداء را زیر سؤال ببرند... آنان می گویند حادثه کربلا خشونت شخصی بوده است که دشمنان با پیامبر اسلام داشته اند." مصباح بردی که از آمران قتل های زنجیره ای سمره می شود، و شخص "مقام معظم رهبری"، ولی امر مسلمین جهان" و کسان دیگری از عناصر شاخص سیاسی و مذهبی جناح هار که دائما از تهاجم فرهنگی و توطئه فرهنگی سخن می گویند و هشدار می دهند و قلم می شکنند و دهان می دوزند، به این سوال جواب نمی دهند که مگر مدعی بودید که این مردم به خاطر اسلام انقلاب کردند و رژیم شاه را سرنگون کردند که "اسلام پیاده شود". خب اسلامتان را که با به راه انداختن جوخه های اعدام و کشتار بی امان هر چه "منافق و مرتد و ملحد" بود، با "انقلاب فرهنگی و پاکسازی دانشگاهها" پیاده کردید و رادیو و تلویزیون و مطبوعات منبرهای نماز وحدت بخش و دشمن شکن جمعه هم که در اختیار شما بود، حالا چرا بعد از ۲۰ سال که "احکام اسلام" همه جا پیاده شده و روحانیت برخ مراد سوار، اوضاع این طور بحرانی شده است؟ وقتی "ایت الله تمساح" می گوید

چنین بحرانی از زمان بعثت پیغمبر تا کنون سابقه نداشته یعنی در آن دوره ۵۷ ساله سلطنت "پدر و پسر" هم اوضاع جامعه از نظر تقابل با فرهنگ آخوندی به این خرابی نبوده است.

حدود دو سال پیش عبد الکریم سروش در شماره ۴۶ مجله کیان در مقاله ای با عنوان "فقه در ترازو" با اشاره به نکاتی از مطلبی از منتظری که در شماره قبلی آن نشریه چاپ شده بود، در مورد تناقضات احکام فقهی و ناسازگاری آن با دنیای جدید، سوالاتی را از وی مطرح کرده بود. از این بگذریم که سروش در پایان از همه آنچه گفته بود برای تجلیل از خمینی - که به زعم وی ولایت فقیه را برای خروج فقه از بن بست تعلقش به "دنیای کهن" مطرح کرده بود-، نتیجه گرفته بود، اما مقاله وی در کل بن بست فقه و فقیهان را در راه یابی برای حل مشکلات جامعه امروزی و پویسیدگی و تعفن بر حی دیدگاههای فقیهانه را نشان می داد و از جمله نکاتی در مورد احکام مربوط به جنس بودن کفار و قتل مرتدان، مورد بحث قرار گرفته بود. نکته ای که برای من تازگی داشت این بود که وی نوشته: "بنده خود شاهد بوده ام که برخی از فقها وقتی با زنان غیر مسلمان دست می دادند، حجتشان این بود که این کار گناه نیست، چون این زنان اصلا حرمت انسانی ندارند و دست زدن به آنها مثل مس حیوانات است و لذا هیچ شکالی ندارد." وی در مورد نارسایی های فقه از جمله یاد آور شده: "... علم فقه علمی دنباله روست، یعنی جامعه ساز و طراح و برنامه ریز نیست، بلکه وقتی جامعه ساخته شد و شکل و صبغه ی خاصی به خود گرفت، فقه احکام آن را صادر می کند. فقیهان نه توسعه آورند، نه انتخابات، نه تفکیک قوا، نه بردگی را لغو کردند نه نظام ارباب رعیتی را... بل در مقابل همه اینها موضعگیری کردند. و رفته رفته به آنها به اکراه رضایت دادند... علم فقه علمی ظاهر بین است، یعنی به ظواهر اعمال و اعمال ظاهره کار دارد. حتی اسلام آوردن زیر شمشیر را هم اسلام محسوب می کند. جامعه فقهی لزوما جامعه بی دینی نیست." در ورشکستگی فرهنگ و بینش آخوندی بد نیست به موردی اشاره کنم. چندی پیش با جوانی اهل کمور آشنا شدم. کمور کشوری است از مستعمرات سابق فرانسه متشکل از سه جزیره نزدیک ماداگاسکار که در سال ۱۹۷۵ مستقل شده ۱۶۰۰ کیلومترمربع

وسعت و ۶۸۰ هزار نفر جمعیت دارد. نام رسمی این کشور جمهوری فدرال اسلامی کمور است. در صحبت هایی که با این جوان داشتم اطلاع پیدا کردم که رژیم به آنجا هم برای پیاده کردن "احکام اسلام" هیات فرستاده و پول حرج کرده است. این جوان که به مسلمان بودنش مباحث می کرد، از کمکهای رژیم در زمینه های مختلف البته رضایت خاطر داشت اما به من گفت شما چه دین سختگیری دارید. گفتم این دین مردم ما نیست مذهب آخوندهاست. وی یاد آور شد که کموریها نظرات کارشناسان اعزامی رژیم در مورد اجرای احکام اسلامی قطع دست دزد و سنگسار کردن "زناکاران" را نپذیرفته بودند و در برابر این استدلال فرستادگان رژیم که شما اگر معتقد به "احکام اسلام" هستید، و حکومتی اسلامی می خواهید باید به احکام آن عمل، کنید کوتاه نیامده بودند و بالاخره آنرا قبول نکرده اند.

با تمام مواردی که با آن اشاره شد و به رغم همه مصائبی که جامعه ایران از رهگذر حکومت روضه خوانها به آن گرفتار آمده (از جمله گسترش اعتیاد و فحشا و کاهش متوسط سن قربانیان فحشا از ۲۸ سال به ۲۰ سال)، این جنگ وجدال جناحهای رژیم، شما پیام "مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای امید مستضعفان و ولی امر مسلمین جهان" به کنفرانس هزاره ادیان را بخوانید تا ببینید که حضرتش چه رضایت خاطر دارد از معجزه ای که آخوندها کرده اند و بر مبنای دین، حکومتی تشکیل داده اند که معنویت از سرپایش می بارد و نورانیتش همه شهروندان را هم در برگرفته و دنیا درجه جهل غفلتی بسر می برد.

رهبر بی اعتبار

رو ۱۳ دیماه برابر با ۲ ژانویه اعضای شورای مرکزی تشکل دولتی دانشجویی دفتر تحکیم وحدت با خامنه ای دیدار کردند. رور ۱۴ دی یکی از شرکت کنندگان در این دیدار به نام عباس عطری در گفتگو با رادیو فرانسه در مورد چند و چون این دیدار گفت که این دیدار از یکسال پیش در خواست شده بود و بعد از پیگیریهای زیاد و بعد از آن که تشکلهای دیگری که از نظر سیاسی - اجتماعی پایین تر از دفتر تحکیم بودند" با رهبر دیدار کرده بودند این امکان به آنها داده شد. وی مساله اصلی مطرح شده از سوی دانشجویان در این دیدار را آزادی علی

افشاری یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت که به خاطر انتقاد از "رهبری" دستگیر شده و نیز آزادی سایر دانشجویان و کسانی که به همین اتهام یا به اتهام انتقاد از نهادهای تحت امر رهبر دستگیر شده اند عنوان کرد. وی یاد آور شد که مساله حکم حکومتی خامنه ای به مجلس و تهدید مجلس از سوی نهاد های تحت امر رهبر مثل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، از دیگر مسائل مطرح شده بود و افزود که چون در این دیدار فرصت پرسش و پاسخ داده نشده بود، سوالها به صورت کتبی به خامنه ای داده شد. یکی دیگر از شرکت کنندگان در این دیدار به نام طباطبایی نیز در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا روز ۱۳ دی با اشاره به دستگیری علی افشاری و عده ای از دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه لرستان و اراک یاد آور شد که: "با توجه به این که تنها علت بازداشت "این عزیزان توهین به رهبری عنوان شده است مساله را مطرح کردیم" وی تاکید کرد ما از "انتقادات آنها دفاع می کنیم ولی از توهین هرگز دفاع نخواهیم کرد." روزگاری که "امام خمینی" ولی فقیه بود هر چه می گفت و هر کاری که می کرد حکم خدا بود و بحث بردار نبود. اعلامیه ای نبود که از سوی دفتر تحکیم یا سایر ارگانها و تشکلهای وابسته به رژیم صادر شود و بالای آن کلمه قزاری از خمینی نقش بسته باشد. اگر کسی در سخنرانی اسم امام را می برد امت و مریدان امام حاضر در محل سه بار صلوات می فرستادند. اما حالا دانشجویان دفتر تحکیم وحدت که دوره دبیرستان و دانشگاه را در محیط های پاکسازی شده از هواداران "گروهکها" (اعم از استاد و دانشجو) طی کرده اند، ولی فقیه را مورد انتقاد قرار می دهند و عملکردش را زیر سوال می برند. چنین رویکردی خود بیانگر آن است که جامعه ایران به خاطر اصطکاک و رویایی بی وقفه ۲۰ ساله با یک رژیم مرتجع مذهبی مرگ اندیش و ضد مردمی وارد مرحله ای از رشد سیاسی - فرهنگی شده که دیگر اعمال ولایت بر آن امکان پذیر نخواهد بود. تازه خمینی هم با راه انداختن ردهای خون از کشتارهای مبارزان انقلابی و آزادیخواهان ولایتش را مستقر کرد. یک نکته دیگر در مورد بی حرمت شدن ولی امر مسلمین جهان را بی مناسبت نمی دانم یاد آوری کنم و آن بقیه در صفحه ۸

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۷

اظهارات مهاجرانی وزیر مستعفی ارشاد در روز ۷ شهریور (در آن موقع هنوز وزیر بود) در جمع مدیران وزارت ارشاد است. وی که به مناسبت "هفته دولت" سخنرانی می کرد ضمن یادآوری این گفته رجایی در موقع انتصابش به سمت نخست وزیری که: "ادم در این شرایط با باید دیوانه باشد که مسئولیت بپذیرد یا عاشق"، به مساله انتخاب نخست وزیر بعد از انفجار دفتر نخست وزیری در سال ۱۳۶۰ پرداخت و یاد آور شد که بعد از دوره کوتاه نخست وزیری مهدوی کنی، هیات مؤتلفه با همراهی "رئیس جمهور وقت" میر سلیم را برای نخست وزیری در نظر گرفته بودند که مجلس نپذیرفت و صلاحیت میرحسین موسوی را برای این مسئولیت مورد تأیید قرارداد و در دوره بعد نیز "محافظه کاران" به همراهی رئیس جمهور وقت می خواستند دکتر ولایتی نخست وزیر شود که مورد مخالفت نمایندگان خط امامی قرار گرفت و دوباره میرحسین موسوی نخست وزیر شد و در ۲ دوره نخست وزیری که مصادف با ۸ سال "دفاع مقدس" بود خدمات شایانی به نظام کرد (نقل به مضمون). گزارش این دیدار که توسط خبرگزاری رژیم مخابره شده بود، در مطبوعات رژیم با حذف قسمت مربوط به انتخاب نخست وزیر منعکس شد ولی به هر حال خلیفه از آن مطلع شده اند و حتما گزارشش به دست خامنه ای (رئیس جمهور وقت) مورد اشاره مهاجرانی (هم رسیده است. این حرفهای مهاجرانی بی تردید واکنشی بود در برابر مخالفتهای خامنه ای با ادامه کار او در پست وزارت ارشاد و فشار برای کناره گذاشتن او که از زبان کسانی چون محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت تا ملا حسنی امام جمعه ارومیه بیان شده بود. مهاجرانی با این سخنان که حتما با هدف انعکاس آن برای افکار عمومی زده بود، می خواست یک توده‌نی به ولی فقیه بزند و به خامنه ای یاد آور شود که مخالفتهای امروز او با وزیر ارشاد (مهاجرانی) از جنس

مخالفتهای دیروز او با نخست وزیر میرحسین موسوی است که مجلس خط امامی وقت و شخص خمینی در برابر آن ایستادند. به گمان من باید در آینده در انتظار سایدگی و فرو ریزی بیشتر موقعیت و اعتبار ولی فقیه بود.

کاندیدای ۲ خردادی

بحث بر سر این که خاتمی کاندیدای ریاست جمهوری می شود یا نمی شود از بحثهای مهم روزنامه ها و محافل سیاسی رژیم است. خاتمی بعد از اعلام آمادگی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری که برای پایان دادن به تبلیغات جناح رقیب در مورد "ماندلا ریزاسیون" وی صورت گرفت موضعی علنی که نشان از تغییر نظرش باشد نگرفته است. با این حال بعید نیست شخص خاتمی و دوستان برنامه ریز او برگوی برای رو کردن در فرصت مناسب در دست داشته باشند و آن را زمانی رو کنند که حریف فرصت کمتری برای خنثی کردن آن داشته باشد. به این معنی که اگر ۲ خردایها بخواهند کاندیدای دیگری غیر از خاتمی را معرفی کنند بی تردید جناح هار پرونده سازی برای او را شروع خواهد کرد تا بتواند توسط دستگاه قضایی و شورای نگهبان مانع شرکت او در انتخابات شود. اگرچه در مورد خاتمی به عنوان بهترین کاندیدا برای ۲ خردایها از سوی محافل ۲ خردای زیاد گفته و نوشته می شود ولی تذبذب او و عقب نشینیهای بزرگش در برابر جناح رقیب که مورد انتقاد برخی محافل ۲ خردادی هم قرار گرفت، نشان دهنده ی این است که رسالت او در رژیم و به ویژه برای ۲ خردایها پایان یافته است و شاید خود او هم در این فکر باشد که قبل از این که بیشتر از این خود را نزد دوستان و دشمنانش خراب کند، کنار بکشد. کناره گیری وی از جمله می تواند با این انگیزه باشد که استراتژی جناح رقیب که بنا به ارزیابی ۲ خردایها "کمترین رای ممکن برای خاتمی" است، خنثی و جناح رقیب "دماغ سوخته" خواهد شد. اظهارات کاظم انبار لویی سردبیر رسالت در مصاحبه با خبرگزاری دانشجویان "ایسنا" در ۱۸ دیماه مبنی بر اینکه "خاتمی باید در انتخابات شرکت کند تا مردم دیکته های چهار

ساله او را تصحیح کنند و نباید هراسی از این تصحیح داشته باشد. عدم کاندیداتوری او پشت کردن به مسئولان و مردم است... نشان دهنده این است که ۲ خردایها در ارزیابی استراتژی جناح رقیب اشتباه نکرده اند. به هر حال پیاده کردن این استراتژی از سوی جناح رقیب، در مورد کاندیدایی غیر از خاتمی معنا و کاربردی آن گونه که در مورد خاتمی داشت، نمی تواند داشته باشد. همچنان که در یاد داشت شماره پیش یاد آور شدم، به گمان من این امر بسیار روشنی است که کاندیدای ۲ خردادی خواه خاتمی باشد خواه آقای سگ یا آقای گربه، در برابر کاندیدای جناح هار هر که باشد (با فرض این که جناح هار کاندیدایی معرفی کند)، برنده خواهد بود، به همان دلیل که تجربه چند مورد انتخابات از ۲ خرداد به این سو به ویژه انتخابات مجلس و شکست مفتضحانه رفسنجانی نشان می دهد. یعنی به دلیل به کار افتادن توپخانه بیولوژیکی از سوی بخشی از رای دهندگان برای ب خاک مالیدن دماغ آن جناح که "نصرت بالرب" روش آن و درنده خوبی منش آن است.

شاید نماینده اول تهران محمد رضا خاتمی برای ۲ خردایها کاندیدای مناسب تری باشد. چرا که حذف نماینده اول تهران از نامزدی انتخابات ریاست جمهوری، برای شورای نگهبان و جناح ولی فقیه کم هزینه نخواهد بود. محمد رضا خاتمی در صورت کاندیدا شدن، می تواند در روابط خارجی "کارت امتیازی" تشنج زدایی آقا داداش را در جیب داشته باشد و در همان حال از این که در ظاهر از "موهبت" اخوند نبودن هم بر خوردار است و عامه به سر نیست، سود ببرد. ولی فقیه و جناح هار یا باید بساط همین انتخابات قلابی را هم برچینند، که در آن صورت زیرآب نظام را به شکل انفجاری زده اند، یا با بر گزاری هر انتخابات ناچارند که شکست از رقیب و تحقیر شدن نیروهای "اصولگرا و ارزشی" را تحمل کنند. به هر حال اوضاع به هر شکل که پیش برود سایدگی بازهم بیشتر نظام منحوس ولایت فقیه، و پیش روی مردم در در مبارز علیه این رژیم سرگوبگر مذهبی را به همراه خواهد داشت.

۲۳ دی ۷۹

محیط زیست ...

بقیه از صفحه ۶
مورد طبیعت و جامعه را چنین به نقد می کشد:
"شیوه تولید کنونی [سرمایه داری]، در مورد طبیعت و جامعه عمدتاً به توفیق و دستامده ی ملموس کنونی نگاه می کند، به پیامدهای درازمدت کارهای خود توجهی ندارد، و بعدها انگشت خیرت هم به دندان می گزند که چرا اقداماتی که بر منای همان دیدگاه ی اولیه صورت گرفته اند، به عواقب بسیار متفاوت، گاه به نتایج کاملاً وارونه انتظار، منجر می شوند."
- همان جا، ص ۴۵۴ -
شاید یکی از تأثیرات

همین شیوه تولید کنونی روحیه ی ولنگاری با نعمات طبیعت و ولخرجی از ذخایر زمین است. آیا آن چه بشر با آلودگی آب و خاک و هوا، با سوراخ کردن لایه حفاظتی اوزن، گرم کردن جو و مخاطره های ناشی از آن بر سر خود آورده، ما را به صرافت نمی اندازد که بپذیریم کره زمین ملک و متصرفه انسان نیست، چشمه ای است برای نوشیدن انواع موجودات زنده ی همه نسلهای اکنون و آینده؟ به قول مارکس:

"نه کل یک جامعه و یک ملت، و نه حتا مجموعه همزمان کلیه ی جامعه ها با هم نیز، صاحب کره زمین نیستند. آنها فقط زمین را در اختیار دارند، از آن بهره می گیرند و می باید همچون پسران خوب خانوادۀ (boni Patres Familias) آن را حفظ و مراقبت کرده در یک وضعیت بهتر برای نسلهای بعد باقی گذارند." - کارل مارکس، جلد سوم سرمایه (آثار ۳- به زبان آلمانی، جلد ۲۵)، ص ۷۸۴ -

گزارش سالانه

خبرنگاران بدون مرز

رادیو آزادی ۱۴ دی: سازمان خبرنگاران بدون مرز با انتشار گزارش سالانه خود اعلام کرد در سال ۲۰۰۰ عده روزنامه نگاران و خبرنگاران که به قتل رسیدند و یا زندانی شده اند کمتر از عده مشابه در سالهای قبل بوده است. به گزارش سالانه این سازمان در سال ۲۰۰۰، ۲۲ روزنامه نگار به دلیل کار حرفه ایشان به قتل رسیده اند. چهار روزنامه نگار دیگر نیز در جریان حمله تروستی کشته شدند. نیمی از این افراد نه توسط حکومت ها بلکه توسط گروه های شورشی به قتل رسیده اند، به ویژه در سیرلانکا، کلمبیا و سیرالئون. در این گزارش نام جمهوری اسلامی ایران در شمار چهار کشوری ثبت شده است که بیش از کشورها در جهان روزنامه نگاران را زندانی کرده است.

خلع لباس

رادیو فرانسه ۱۱ دی: حجت الاسلام علی افصحی سردبیر هفته نامه سینما ورزش دیروز توسط دادگاه ویژه روحانیت به چهارماه زندان و خلع دائمی لباس محکوم شد و بلافاصله به زندان اوین منتقل گشت. جرم وی توهین به مقدسات و روحانیون اعلام شده است.

موارد خودکشی

روزنامه (انگلیسی زبان) ایران دیلی ۱۲ دی: حسین بختیاری مدیرکل اداره رفاه استان مرکزی گزارش داد که ۷۵ درصد خودکشیها توسط زنان صورت می گیرد. وی که در جلسه شورای شهر خمین صحبت می کرد گفت دلیل اصلی دست زدن به خودکشی، جلب توجه شوهران، اعضای خانواده و مقامات دولت است.

مجلس ارتجاع در ماهی که گذشت

اناهیتا- الف
anahita_2002@yahoo.se

پیرامون برخورد با مجلس ششم از همان ابتدا دو دیدگاه و خط مشی کاملاً متضاد در برابر هم صف آرایی کردند. گروهی آن را "مجلس اصلاحات" نامیدند و بنابراین شرکت در انتخابات و حمایت از کاندیدای "جبهه دوم خرداد" را وظیفه خود دانستند. در مقابل گروهی دیگر از همان ابتدا اعلام کردند که این مجلس نه "مجلس اصلاحات"، بلکه یکی از نهادهای تابع ولایت فقیه و بنا بر این "مجلس ارتجاع" است. گروه دوم تحریم انتخابات و تقویت جنبش اجتماعی مردم ایران برای سرنگونی قهرآمیز رژیم را وظیفه خود دانستند و اعلام کردند که این مجلس هیچ گام جدی نمی تواند در جهت خواسته های مردم بردارد و تنها هنر آن تشدید تضادهای درونی نظام است. پیگیری اخبار و رویدادهای مجلس ششم ارتجاع درستی خط مشی دوم را نشان می دهد.

در ماه گذشته بحث بودجه سال ۸۰ و جدالهایی که بر سر تخصیص بودجه به نهادهایی که از طرف مجلس غیر قابل کنترل هستند (از قبیل شورای نگهبان، بنیاد مستضعفان و...) و بحث اصلاح قانون وزارت اطلاعات و نیز بحث مصون بودن یا نبودن نمایندگان مجلس و نیز گزارش کمیسیون اصل ۹۰ از مهمترین موارد مورد بحث و جدال در مجلس و بین مجلس با قوه قضائیه بود. احضار نمایندگان مجلس ارتجاع به دادگاه و نظر شورای نگهبان منی بر این که نمایندگان مجلس مصونیت پارلمانی ندارند و تأیید این امر از طرف محمدرضا خاتمی، دست قوه قضائیه برای فشار بر نمایندگان مجلس ارتجاع را کاملاً باز گذاشت. بدین ترتیب جبهه دوم خرداد عملاً مجلسی را "فتح" کرده که از یک طرف شورای نگهبان مصوباتش را و تو می کند و از طرف دیگر قوه قضائیه می تواند نمایندگانش را هر وقت بخواهد به دادگاه احضار کند. خلاصه مهمترین اخبار مربوط به مجلس را در زیر می خوانید.

همشهری ۲۴ آذر: فاطمه حقیقت جو، طرح اسکان موقت زنان سرپرست خانوار را تقدیم مجلس کرد و گفت که تلاش می کنیم مجلس در جریان بررسی لایحه بودجه ۸۰، بودجه خاصی به این زنان که در حیواناتها و پارکها ردگی می کنند اختصاص داده شود.

همشهری ۲۴ آذر: ۹ نماینده کرد مجلس در تذکری به وزیر کشور نسبت به برخورد نیروی انتظامی و لباس شخصیها با دانشجویان اعتراض کردند و گفتند که این دانشجویان قصد داشتند در اعتراض به دخالت ترکیه در کردستان عراق تجمعی برقرار سازند که وزارت کشور به آنها مجوز نداد. ادب نماینده مجلس در سنج گفت: دانشجویان پس از اطلاع از عدم مجوز قصد پراکنده شدن داشتند که مورد هجوم قرار گرفتند. کروی تذر این ۹ نماینده را قرائت نکرد.

همشهری ۲۶ آذر: فراکسیون جبهه دوم خرداد با هاشمی رفسنجانی ملاقات کرد. هاشمی رفسنجانی با اشاره به این که اختلافات در مورد جریانات امری طبیعی است تأکید کرد که مردم از سربازان و دلسوزان انقلاب اسلامی در دولت، مجلس و قوه قضائیه، انتظار دارند با محور قرار دادن مصالح و منافع و ارزشهای والای نظام مقدس اسلامی، هماهنگ با سیاستهای کلی نظام و رهبر انقلاب در کنار یکدیگر با هم همکاری کنند و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی را هدف نهایی خود قرار دهند.

همشهری ۳۰ آذر: مهدی کروی اظهارات اخیر برخی از ائمه جمعه را در خصوص عملکرد مجلس ششم را کم لطفی خواند و از آنان گله کرد و گفت وقتی این مجموعه سخنان را مرور می کنیم می بینیم که یک خط خاصی دنبال می شود.

همشهری ۱ دی: ۱۹۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای حمایت خود را از عملکرد دکتر مهاجرانی اعلام کردند و در این نامه تمام تلاش مهاجرانی و همکاران محترمشان را کاهش شفاف شکاف میان فرهنگ رسمی و فرهنگ جاری در جامعه دانست و ثمره آن کاهش شکاف بین مردم و نظام بوده است.

همشهری ۱ دی: محمود دادفر مخبر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به دادگاه احضار شد. نماینده بوشهر گفت این احضار به دلیل نوشتن مقاله ای در روزنامه همبستگی با عنوان "العادر ناشیم" بوده و شاکای این پرونده نیروی انتظامی است و ابراهیم مانی مدیر مسئول روزنامه همبستگی نیز به دلیل چاپ این مقاله احضار شده است.

همشهری ۱ دی: وزارت اطلاعات برای پس گرفتن لایحه اصلاح قانون تشکیل وزارت اطلاعات از مجلس تحت فشار قرار گرفته است. یکی از موارد این لایحه جلوگیری از کار اطلاعاتی سایر دستگاهها و نهادها و متمرکز کردن آن در وزارت اطلاعات است.

همشهری ۴ دی: مجلس طرح استفساریه مربوط به تسری مواد ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تامینی به مطبوعات

و طرح استفساریه مربوط به کلمات توهین و اهانت و حتک در قوانین بررسی می کند. این طرح از طرف شورای نگهبان در شور دوم به مجلس برگشت داده شده است. طرح حذف تبصره یک ماده سه قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور تور دوم ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نیز در دستور کار این هفته مجلس قرار دارد.

همشهری ۴ دی: علی شکوری راد، نماینده مردم تهران در پی تسکایت هدایت الله لطفیان فرمانده سابق نیروی انتظامی به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی احضار شد. موضوع شکایت برخی اظهارات شکوری راد است که سه سال قبل در جراید منتشر شده است.

روزنامه ایران ۴ دی: هیأت رئیسه ی مجلس شورای اسلامی با تقاضای جمعی از نمایندگان در خصوص اولویت دادن به بررسی لایحه ی اصلاح قانون وزارت اطلاعات مخالفت کرد. دکتر علی شکوری راد، نماینده ی تهران و عضو هیأت رئیسه ی مجلس با اعلام این خبر به خبرنگار امور مجلس گفت: تقاضای نمایندگان برای اولویت بخشیدن به این لایحه در هیأت رئیسه مطرح و بررسی شد ولی نهایتاً هیأت رئیسه بنا به تقاضای وزارت اطلاعات از تسریع در بررسی لایحه خودداری کرد.

روزنامه ی حیات نو ۵ دی: دیروز در راهرو مجلس نیز شنیده شد که وزارت اطلاعات به منظور بررسی بیشتر در خصوص لایحه ی اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات خواستار توقف آن در مجلس شده تا آن را به صورت جامع و پخته تریارانه کند معاون پارلمانی وزارت اطلاعات به خبرنگاران گفت: ما نه قصد پس گرفتن لایحه را داریم و نه تقاضای در اولویت قرار دادن آن را از هیأت رئیسه ی مجلس کرده ایم، اما معتقدیم که باید در لایحه ی مذکور تجدیدنظر صورت گیرد.

روزنامه آفتاب یزد ۵ دی: تاکنون نزدیک به ۱۰ نفر از نمایندگان در رابطه با نقطه های پیش از دستور و مصاحبه های انجام شده و یا مکتوبات خود به دادگاه احضار شده اند. از این میان محمدرضا خاتمی به عنوان مدیر مسئول روزنامه مشارکت، علی شکوری راد، علی حسینی، جعفر گلپاز و محمد دادفر در خصوص مقالات، سخنرانیها و مصاحبه ها و ابراهیم بای سلامی به عنوان مدیر مسئول روزنامه همبستگی به دادگاه فراخوانده شده اند.

همشهری ۵ دی: با تأکید مجلس شورای اسلامی بر مصوبه خود مبنی بر این که مطبوعات مشمول دو ماده قانون اقدامات تامینی نیستند، این مصوبه برای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد.

همشهری ۶ دی: محمدرضا خاتمی دبیر کل جبهه مشارکت گفت: ریاست محترم دادگستری حکم دادند که ما پایگاههای دشمنان را بستیم. چگونه می شود وقتی که هنوز هیچ چیز ثابت نشده و همه چیز صرفاً در حد یک اتهام است، این گونه صریحاً قضاوت کرد؟ وی در مورد به دادگاه کشاندن برخی از نمایندگان گفت طبق قانون نماینده مصون نیست. نماینده فقط در رابطه با اظهاراتی که در مورد شغل نویسندگی اش می شود مصونیت دارد و این یکی از خوبیهای قانون اساسی است که هیچ فرقی بین مسئول و مردم نیست.

روزنامه قدس ۱۰ دی: پس از دوبار خودداری هیأت رئیسه مجلس از پذیرش طرح نمایندگان برای استیضاح وزیر بهداشت، آقای کروی در جلسه روز سه شنبه در پی اصرار و سماجت نمایندگان مجبور شد طرح استیضاح دکتر فرهادی را بپذیرد و رسماً آنرا امضا کند.

تولوزیون رژیم ۱۰ دی: چهار لایحه و طرح در جلسه شورای نگهبان به تصویب رسید. لایحه تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، لایحه تشکیل وزارت صنایع و معادن، لایحه حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای و طرح استفساریه در مورد کلمه اهانت مندرج در مقررات جزایی قانون مجازات اسلامی طرحها و لایحه هایی بود که مورد تأیید اعضای شورای نگهبان قرار گرفت.

همشهری ۱۰ دی: کمیسیون اصل ۹۰ شکایت نامه ۵ زندانی مطبوعاتی (اکبر گنجی، عمادالدین باقی، شمس الواعظین و زید آبادی و لطیف صفری) را تهیه کرد تا در یکی از جلسات علنی قرائت کند.

هفته نامه سیاست **۱۷ دی:** قوه ی قضائیه به برخی مواد لایحه ی اصلاح قانون وزارت اطلاعات اعتراض کرد. در آستانه ی رسیدگی به کلیات طرح اصلاح قانون وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی، قوه ی قضائیه با ارسال نامه یی به مقامات دولتی نسبت به برخی مواد ذکر شده در اصلاحیه که دارای ماهیت قضایی است اعتراض کرد. در نامه ی قوه ی قضائیه تأکید شده که اختیاراتی مانند جلب و احضار متهم و دستور بازداشت و ممنوع الخروج و باید با نظر مقام قضایی باشد و اعطای این اختیارات به دستگاه دولتی با استقلال قوه ی قضائیه مغایرت دارد.

تولوزیون رژیم ۱۸ دی: در جلسه امروز مجلس طرح اصلاح ماده ۳ قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور، مصوب سال ۱۳۶۴ در شور دوم مطرح و تصویب شد. بر اساس این مصوبه از تاریخ بقیه در صفحه ۱۰

امران و عاملان قتلهای سیاسی زنجیره ای باید در یک دادگاه بین المللی محاکمه شوند

قرار است فردا یک دادگاه نمایشی برای محاکمه تنی چند از عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای برگزار شود. این دادگاه قلبی در شرایطی برگزار می شود که:

۱- فقط دو نفر از قاتلان در زندان و بقیه آزاد هستند.

۲- کلیه امران قتل‌های سیاسی زنجیره ای اساساً تحت پیگرد قرار نگرفته اند.

۳- در همین پرونده ساختگی، اعترافهای سعید امامی (اسلامی) که سازمان قضایی نیروهای مسلح رژیم او را به عنوان یکی از امران معرفی کرده، وجود ندارد.

۴- تنها به قتل ۴ تن از قربانیان این بی دادگاه رسیدگی می شود.

۵- هیچ یک از خانواده های قربانیان و یا وکلای آنان در جریان تحقیق و بازپرسی قرار نداشتند و وکیل قلبی خانواده مختاری و پوینده در زندان به سر می برد.

۶- به دستور سازمان قضایی نیروهای مسلح، هیچ فردی حق اظهار نظر پیرامون این پرونده در رسانه ها نداشته و هر کسی که کوچکترین حرفی در این باره زده روانه زندان شده است.

و ...

بدین لحاظ این بی دادگاه، همچون بقیه محاکمات فرمایشی و قرون وسطایی رژیم فاقد ارزش است. این بی دادگاه، قلبی و برای پنهان کردن امران و عاملان اصلی قتل‌های زنجیره ای که کانون اصلی آنان دفتر ولایت فقیه است تشکیل می شود و خوشبختانه خانواده ۴ تن از قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره ای دو روز قبل اعلام کردند که این دادگاه فرمایشی را تحریم کرده اند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران خواستار آن است که شورای امنیت ملل متحد، سران رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما را به خاطر جنایت علیه بشریت در یک دادگاه بین المللی محاکمه نماید. ما خواستار اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی برای بررسی تمامی قتل‌های سیاسی زنجیره ای و معرفی امران و عاملان آن هستیم.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
جمعه ۲ دی ۱۳۷۹

زندانی کردن شرکت کنندگان در کنفرانس برلین

مقاومت ایران به یک سیاست قاطع علیه ملایان حاکم فرا می خواند

دستگاه قضاییه رژیم آخوندی، شماری از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین (فروردین ماه ۱۳۷۹) را پس از یک محاکمه نمایشی به زندان های طویل المدت محکوم کرد.

محکوم شدگان همه معتقدند که فعالیت هایشان در چارچوب قانون اساسی همین رژیم و به منظور حفظ همین نظام می باشد. برخی از آنها از عوامل سابق وزارت اطلاعات و سرکردگان سابق سپاه پاسداران می باشند که طی دو دهه گذشته در بسیاری از جنایات رژیم آخوندی دست داشته اند.

از روی رفتار ظالمانه استبداد مذهبی حاکم بر ایران با همکاران سابق خودش، به خوبی می توان دریافت که شکنجه گران و جلادان و حکام شرع رژیم آخوندی با زندانیان سیاسی و مجاهد چه رفتار جنایتکارانه ای دارند. رژیمی که طی ۲۰ سال گذشته ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی را اعدام و در سال ۶۷، سی هزار زندانی سیاسی را قتل عام کرده است.

زندانی کردن این افراد به خاطر شرکت در یک کنفرانس در چند هزار کیلومتری ایران قبل از هر چیز نشان می دهد که سیاست استمالت و اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی به رژیم آخوندی، به خاطر تقویت اصلاح طلبان موهوم، تنها آخوندها را در ادامه و گسترش سرکوب، جری تر کرده است.

این احکام ظالمانه، آخرین حلقه از موج جدید سرکوب است که از آغاز سال جدید میلادی شروع شده است. تنها در ۱۰ روز اول ژانویه، ۸ تن حلق اویز، دو زن محکوم به سنگسار و ۶ مرد به اعدام محکوم شده اند. ظرف هفته گذشته، در یک اقدام بی سابقه، برای ایجاد جو رعب و وحشت، تلویزیون رژیم صحنه هایی از حلق اویز کردن دو جوان را در ملاء عام پخش کرد.

هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه از اعدام قریب الوقوع ۸۰۰ زندانی خبر داد (ایرنا، ۲۱ دی ۷۹) و رئیس دادگستری خراسان گفت: اگر کسی حتی دو قرص نان به اشراق بدهد، با او با جدیت برخورد می شود. اشراق، رابطین و حتی کسانی که به آنها کمک کنند، به عنوان مفسد فی الارض و خائن به مملکت در ملاء عام اعدام می شوند (روزنامه قدس، ۲۱ دی).

مقاومت ایران کمیسیون حقوق بشر، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و تمامی مجامع مدافع حقوق بشر را به محکوم کردن موج جدید سرکوب در ایران فرا می خواند و خواستار اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا از سوی شورای امنیت ملل متحد می باشد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۳۷۹ دی ۲۴

مجلس ارتجاع در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۹

تصویب این قانون کلمه پسر از ماده سه این قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور مصوب سال ۱۳۶۴ حذف و تبصره یک این ماده نیز حذف می شود.

تلویزیون رژیم ۱۸ دی: رئیس مجلس شورای اسلامی گفت بیشتر نمایندگان امضا کننده طرح استیضاح وزیر بهداشت، طرح خود را پس گرفته اند. آقای کروبی افزود، تنها هفتر از نمایندگان همچنان خواهان استیضاح آقای فرهنگی هستند که این تعداد امضا برای مطرح کردن استیضاح کافی نیست.

خبرگزاری ایسنا ۱۸ دی: حجت الاسلام کروبی در زمینه لغو طرح استیضاح وزیر بهداشت و درمان گفت: استیضاح در شرایط فعلی نمی تواند مفید باشد، چرا که ما به سمت انتخابات سال ۸۰ پیش می رویم، وزیر قلبی رأی نیاورده و کابینه در حال ترمیم است اختیار با نمایندگان است و هیچ کس نمی تواند و حق ندارد آنان را مجبور به انجام کاری کند، اما با رایزنی و گفتگوهایی که در مجلس انجام شد بحث استیضاح تحت الشعاع قرار گرفت و اغلب نمایندگان مطرح شدن این بحث را مصلحت ندانستند. وی استفاده از روش کدخدامنشانه را در برخی زمینه ها مثبت ارزیابی کرد و گفت: اگر چه هیات ریسه نیز در این زمینه موثر بود اما تلاش اصلی را نمایندگان با گرایشهای مختلف داشته چنانکه محمدرضا خاتمی و نعیمی پور در این راستا به شدت فعال بودند.

خبرگزاری ایرنا ۲۴ دی: دبیر شورای نگهبان روز شنبه طی نامه ای برای مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی، مراتب نگرانی خود را از تقلیل بودجه شورای نگهبان برای دومین بار یادآور شد. در نامه آیت الله احمد جنتی آمده است، با وجود بررسی کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی و تنظیم اعتبار ۱۲ میلیارد ریالی، با کمال تاسف کمیسیون تلفیق اعتبارات مربوط به پاسداری از احکام اسلامی و قانون اساسی و همچنین اعتبارات موضوع نظارت بر انتخابات را که از مهمترین و اساسی ترین وظایف

قانونی این نهاد می باشند، به میزان ۴۰ درصد کاهش داده اند.

تلویزیون شبکه خبر ۲۵ دی: آقای خاتمی رئیس جمهور امروز در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در مراسم معرفی وزرای پیشنهادی خود سخنرانی ایراد نمود. پس از سخنان آقای خاتمی و با توجه به این که هیچ یک از نمایندگان مجلس در مقام مخالف و موافق صحبت نکردند، بلافاصله کار رأی گیری در مجلس شورای اسلامی برای پنج وزیر پیشنهادی آغاز شد که در نتیجه پس از شمارش آرا از مجموع ۲۵۵ رأی مأخوذه، آقای معتمدی برای وزارت پست و تلگراف و تلفن با ۲۰۲ رأی موافق، ۳۸ رأی مخالف و ۱۵ رأی ممتنع، آقای جهانگیری برای وزارت صنایع و معادن با ۲۱۰ رأی موافق، ۳۵ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع، آقای مسجد جامعی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ۲۱۴ رأی موافق، ۲۷ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع، آقای حجتی برای وزارت جهاد و کشاورزی با ۱۸۹ رأی موافق، ۵۵ رأی مخالف، ۱۱ رأی ممتنع و آقای دادمان برای وزارت راه و ترابری با ۲۲۳ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع تأیید شدند.

خبرگزاری ایرنا ۲۵ دی: فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه طی بیانیه ای از مردم کرد دعوت کرد در فضای پر نشاط کشور هوشیاری کامل به خرج دهند و از تن دادن به نقشه های تشنج آفرینان بپرهیزند. در این بیانیه که توسط بهالدین ادب و جلال جلالیزاده نمایندگان مردم سنجند و رحمان نامجو نماینده مردم بوکان در مجلس شورای اسلامی امضا شده با اشاره به استقرار امنیت و آرامش در کل کشور و در تمام مناطق کردنشین آمده است، با حفظ آرامش و مشارکت فعال آرام خود به ما این اجازه وامکان را بدهید که پیگیری حقوق ادانشده و معطل شما باشیم و نیرویمان صرف خنثی شدن درگیریهایی احتمالی که برخی در پی ایجاد آن هستند نشود، احسن ترین شیوه درایام آرامش فعال، پرهیز از تن دادن به نقشه های موجد تشنج و تشنج آفرینی است.

خبرگزاری ایسنا ۲۶ دی: محمدرضا خاتمی در جمع خبرنگاران درباره حکم دادگاه کنفرانس برلین گفت: حکم این دادگاه به لحاظ شکلی و ظاهری قانونی است هر چند ما می توانیم انتقاداتی داشته باشیم و آن را بیان کنیم.

تولید و اشتغال در پرده ابهام

۴ - حبیبی

mhabibifr@yahoo.fr

نگاهی به لیست طولانی اعتراضها کارگری به علت عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران، و وضعیت نهادهایی که مسئول پرداخت حقوق این کارگران هستند، حاکی از آن است که بنگاههای تولیدی در ایران در وضع فاجعه باری به سر می برند. حوزه هایی که این اعتراضها در آن صورت گرفته به این ترتیب خلاصه می شود: بنگاههای تولیدی وابسته دولت، بخش عمومی، بخش خصوصی، کارمندان دولتی و حتی کارگاههای کوچک صرفنظر از عوامل مختلف تاثیر گذار در هریک از این حوزه ها، خصلت عمومی این ناهنجاریها را باید در ساختار اقتصادی موجود جستجو کرد. به عنوان مثال دولت در چارچوب سیاست «خصوصی سازی» تعدادی از کارخانه ها وابسته خود را در بستر اقتصاد تجاری - دلالی، به بخش خصوصی واگذار کرد. صاحبان جدید این کارخانه ها نیز، بعد از مدتی با بهره گیری از وامهای مختلف و ارز دولتی، با بدهکار کردن این کارخانه ها، به سیستم بانکی، نهاد واگذار شده را به صورت ورشکسته به دولت تحویل دادند. دو نمونه در این زمینه قابل ذکر است. کارخانه علالدین که قبلا وابسته به بنیاد شهید بوده، چهار سال پیش به بخش «خصوصی» واگذار شد. کارخانه آدامس خروس نشان قبلا به بنیاد مستضعفان تعلق داشت که واگذار شد، این دو کارخانه در حال حاضر با مشکلات جدی مواجه، و در زمره کارخانه ها ورشکسته طبقه بندی می شوند. البته به این مجموعه باید یکی از قدیمیترین کارخانه ها نساجی در ایران را، یعنی کارخانه چیت سازی ری را نیز اضافه کرد. آن طور که دبیر انجمن صنایع نساجی ایران می گوید، این کارخانه قبلا به بنیاد مستضعفان تعلق داشت. و در حال حاضر با هزار کارگر حقوق نگرفته، و پانزده میلیون تومان بدهی، به صورت وضع موجود، به دو نفر از اتباع کشورهای عربی به مبلغ سیزده میلیارد تومان فروخته شده است. براساس گزارش دبیر کل خانه کارگر، ارقام بدهی و زیان ده واحد، که از مشهورترین واحدهای تولیدی کشور محسوب می شوند، و اکنون با توقف تولید و بحران مواجه شده اند، برابر با هزار واحدی است که دولت آن را فروخته، و این نشان می دهد که خصوصی سازی با بی توجهی یکسان انگاشته شده است. یکی از همین شرکتها تا امروز پنج میلیارد تومان بدهی به بار آورده است که طلبکاران آن بانکها هستند. کسانی که برای یک واحد، پنجاه میلیون تومان پرداخت کرده اند، امروز هفت میلیارد تومان بدهی به بار آورده اند. (جمهوری اسلامی دبیر کل خانه کارگر می افزاید: تاکنون ۱۴۰۰ واحد کوچک و بزرگ که با مشکلات جدی مواجه هستند، توسط مانشناسایی شده اند، که قطعا تعداد آنها بسیار بیشتر از این رقم است. که متاسفانه بسیاری از آنها در زمره واحد های مشهور و بنام کشور هستند.

البته شایان یادآوری است که واگذاری به بخش «خصوصی» در حاکمیت اقتصاد دلالی را، باید در فرهنگ رایج آن معنی کرد. فرهنگی که در جوهر خود، ضد تولید و صنعتی شدن است، و آنچه که در این ساختار اصالت دارد، سود زودتر،

و همزمان پول بیشتر است. ولی تا آنجایی که فرهنگ خصوصی سازی بر می گردد، این فرآیند، ساختار طبقاتی خودش را، و همزمان قشر و نماینده گان خاص خود را در جامعه طلب می کند، که به جد از تولید و صنعتی شدن حمایت می کنند. شرایطی که در حال حاضر، و در چارچوب ساختار اقتصاد دلالی موجود، ما فاقد آن هستیم. به بیان دیگر آن چه طی سالهای اخیر تحت عنوان «خصوصی سازی» صورت گرفته، باید نوعی دست به دست شدن کارخانه ها توسط دلالان تلقی کرد. وضعیت موجود این واحدهای واگذار شده بهترین دلیل بر این مدعی است. کارخانه ها ورشکسته، کارگران اخراجی و حقوق نگرفته، نتیجه بلافصل این روند در حاکمیت رژیم آخوندی است.

البته روند رکود در واحد های تولیدی فقط به شرکتها و واگذار شده ختم نمی شود. این روند کارگاههای کوچک و بزرگ را نیز در بر می گیرد. به براساس گفته های دبیر کل خانه کارگر، طی سالهای اخیر پانزده هزار کارگاه کوچک کفاشی، که با پنج نفر کارگر، کار می کردند، تعطیل شده است. و این در حالیست که هیچ کارخانه بزرگ صنعتی در زمینه کفش فعال نیست، و از جانب دیگر سالانه ده میلیون جفت کفش به صورت قاچاق وارد ایران می شود.

براساس آخرین امار، این روند در سال جاری نیز تداوم داشته است. براساس امار وزارت صنایع، پروانه بهره برداری از واحدهای صنعتی، از ۱۶۸۰ فقره در شش ماهه اول سال ۱۳۷۵ به ۹۶۶ فقره در شش ماهه اول سال جاری کاهش یافته است. براساس گزارش اقتصادی بانک مرکزی، تعداد شرکتها منحل شده در سال پیش نسبت به سال ۷۷ معادل ۸،۳ درصد افزایش نشان می دهد، از سوی دیگر کل سرمایه گذاری شرکتها ثبت شده در سال گذشته، نسبت به سال ۷۷ معادل ۱۳،۴ درصد کاهش داشته است. با یک چنین اوضاع فاجعه باری، وضعیت در سال ۸۰ نیز نباید چندان درخشان باشد، چراکه شاخص توجه دولت به این امور را با افزایش بودجه عمرانی میتوان محک زد، که اگر لایحه بودجه سال ۸۰ را مبنی قرار دهیم، تقسیم چندانی در آن داده نشده، مضافا اینکه طی سالهای اخیر بودجه عمرانی همواره سیر نزولی داشته است. در چنین فضایی، این واحدها توان حفظ کارگران موجود را ندارند، ادعای ایجاد فرصتهای جدید شغلی از جانب رژیم را، باید گفت پیش کش.

براساس امار وزارت کار، در شش ماهه اول امسال ۱۹۶ هزار تن در مراکز کارایی ثبت نام کرده اند. از این تعداد فقط ۲۶ هزار نفر جذب شده اند، شایان یادآوری است که این تعداد قبلا شاغل و دارای تخصص بوده اند.

تا این جا نگاهی داشتیم به وضعیت واحدهای تولیدی که با مشکلات جدی مواجه بودند. حال باید دید که وضعیت واحدهای تولیدی و شرکتها به اصطلاح «برتر» از نظر رژیم در یک چنین فضایی چیست؟

در ابانماه امسال سازمان مدیریت صنعتی ایران، فهرستی تحت عنوان صد شرکت «برتر» ایرانی را منتشر کرد (مندرج در ماهنامه پژوهش شماره ۱۱۸). این فهرست شرکتها مورد بحث را در سه مؤلفه طبقه بندی می کند. اول از نظر جایگاه و رتبه صادراتی دوم از نظر جایگاه و رتبه بازدهی سرمایه و داراییهای این واحدها و سوم از نظر میزان فروش. آن طور که در این گزارش منعکس شده است، بسیاری از این شرکتها

برتر، از نظر بازدهی سرمایه و داراییها، عملکردشان منفی بوده است. در فهرست مذکور دو نوع شرکت و با دو ماهیت متفاوت منظور گردیده است. یکی شرکتهای تولیدی است که، با خرید مواد اولیه و تبدیل آن به کالای ساخته شده کار می کنند، که در این شرکتها بخش قابل ملاحظه ای از فروش در بر گیرنده مواد اولیه مصرف شده است بنابراین نسبت ارزش افزوده به فروش در این شرکتها پایین است. و دیگری شرکتها خدماتی هستند که خدمات بانکی می دهند. عملکرد تعدادی از این شرکتها به این شرح است:

شرکت ایران خودرو، در سال ۷۸ از نظر فروش در رتبه اول قرار می گیرد، ولی همین شرکت از لحاظ جایگاه صادراتی در رتبه ۱۱۲ قرار می گیرد، و از نظر جایگاه بازدهی سرمایه در رتبه ۹۴ قرار دارد. شرکت ایران خودرو با پیش فروش کردن خودرو جذب سرمایه می کند.

شرکت پتروشیمی رازی از نظر صادرات مقام اول را دارد، از نظر فروش در رتبه شصت و یکم قرار می گیرد، و از لحاظ بازدهی سرمایه در جایگاه یکصد و بیست و ششم جای دارد.

شرکت پتروشیمی اراک از نظر صادرات در مقام دوم و از لحاظ فروش در مقام پانزدهم و از لحاظ بازدهی سرمایه در رتبه ۶۰ قرار می گیرد.

بانک صادرات از لحاظ صادرات در مقام ششم و از نظر فروش در مقام نهم و از لحاظ بازدهی سرمایه در مقام ۱۱۴ قرار می گیرد.

بانک سپه از نظر صادرات در رتبه ۶۵ و از نظر فروش در رتبه چهاردهم و از لحاظ بازدهی سرمایه و داراییها در مقام ۱۲۳ (با صفر درصد بازدهی) قرار می گیرد.

نام بعضی از این شرکتها در جدول زیر آورده شده است.

نام شرکت	جایگاه صادراتی	جایگاه بازدهی سرمایه و داراییها	میزان فروش «هزارمیلیارد ریال»
شرکت ایران خودرو	۱۱۲	۹۴	۳۷۷،۶
شرکت سایپا	۹۷	۹۶	۰۷۴،۴
شرکت فولاد مبارکه	۲۸	۵۸	۹۲۵،۳
شرکت ذوب آهن ایران	۱۱۳	۱۰۶	۰۰۸،۳
شرکت صنایع مس	۱۰۸	۶۵	۳۰۵،۱
سازمان صنایع دفاع	۱۱۱	۱۲۴	۰۷۲،۱
شرکت فولاد خوزستان	۴۱	۹۸	۹۴۱،۱
شرکت پتروشیمی اراک	۲	۶۰	۵۳۶،۱
پتروشیمی بندر خمینی	۱۲	۵	۷۱۵،۲
بانک صادرات	۹	۱۱۴	۲۸۸،۳
بانک سپه	۶۵	۱۲۳	۷۰۴،۱
بانک ملت	۵۶	۱۲۱	۰۲۰،۲

خلاصه کلام این که، هرگونه بهبود در وضعیت بنگاههای تولیدی و معیشت کارگران به گونه ای نتکانتگ با اوضاع ناسامان حاکمیت در ایران گره می خورد. سازمان کار بنیادهای تولیدی کشور، نیاز به یک تغییر اساسی دارند، و آن نیز جز از طریق تغییرات اساسی در بنیاد های سیاسی حاکمیت آخوندی میسر نخواهد شد. که این امر نیز لاجرم به نفی حاکمیت موجود و استقرار حاکمیت مردم منتهی خواهد شد.

بیت رهبری کانون آمران و عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای (۲)

— مهدی سامع

محاكمه قاتلان در بیدادگاه نمایشی

سرانجام روز شنبه سوم دیماه ۱۳۷۹، در یک بیدادگاه نمایشی، محاکمه تعدادی از عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای برگزار شد. این محاکمه توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح و به ریاست محمدرضا عقیقی رئیس شعبه پنجم دادرسی نظامی تهران و با حضور معاون دادستان نظامی تهران به عنوان دادستان (که نام او در هیچ یک از اطلاعیه های این دادگاه اعلام نشد) و با حضور ۱۸ تن از عاملان قتل‌های سیاسی به عنوان متهم برگزار شد. محاکمه این ۱۸ تن طی ۱۲ جلسه تا روز ۲۴ دی ماه ادامه یافت و در این روز روابط عمومی سازمان قضایی نیروهای مسلح طی اطلاعیه ای اعلام نمود که "بر اساس مقررات آیین دادرسی، دادگاه رأی خود را در تاریخ ۸ بهمن ماه به متهمان اعلام خواهد کرد" (ایرنا - ۲۴ دی ماه ۱۳۷۹)

از روز سوم دی ماه که این بیدادگاه نمایشی آغاز به کار کرد تا روز پایان آن، هیچ خبری به جز اطلاعیه های کوتاه سازمان قضایی نیروهای مسلح، پیرامون این محاکمه "عدل اسلامی" انتشار نیافت. روز سوم دی ماه و در پایان اولین جلسه این محاکمه سازمان قضایی نیروهای مسلح طی اطلاعیه ای اعلام کرد که "رئیس دادگاه با استماع نظر معاون دادستان منی بر این که علنی بودن دادرسی محل امنیت و نظم عمومی است، به استناد بند سوم ماده ۳۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۱۶۵ قانون اساسی، قرار غیر علنی بودن دادرسی را صادر و اعلام کرد." (ایسنا - ۳ دی ماه ۱۳۷۹)

بدین ترتیب رسیدگی به پرونده ای که آن را "پرونده ملی" اعلام کرده بودند، بدون اطلاع "ملت" جریان یافت و رئیس این بیدادگاه رسوا و نمایشی حکم بر غیر علنی بودن آن داد و این در حالی است که قبل از شروع محاکمه، وکلای مدافع ۴ تن از قربانیان قتل‌های سیاسی دستگیر و خانواده های همین چهار قربانی نیز این نمایش رسوا را پایکوت کرده بودند.

این که چرا محاکمه علنی ۱۸ نفر از عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای، آن

هم در پرونده ای که کاملاً حساب شده تنظیم شده "محل امنیت و نظم عمومی" است را هیچ یک از مسئولان قضایی و دست اندرکاران این پرونده توضیح ندادند. نظر معاون دادستان که به عنوان مدعی العموم در این محاکمه شرکت می کند (مدعی العمومی که مردم حتی نام او را نباید بدانند) این است که علنی بودن این محاکمه "محل امنیت و نظم عمومی" است، و قضای محمدرضا عقیقی هم به عنوان رئیس این محاکمه، حکم بر غیر علنی بودن صادر می کند. این تنها اطلاعی است که مردم باید از این محاکمه داشته باشند.

همه می دانند که تصمیم بر غیر علنی بودن همین نمایش مسخره و رسوا، توسط عالی ترین مقامات و ارگانهای رژیم گرفته شده و البته تا آنجا که به منافع ولی فقیه و حسابگریهای ردیلانه خاتمی بر می گردد همین بیدادگاه فرمایشی نیز باید غیر علنی برگزار می شد. یونسوی وزیر اطلاعات در مصاحبه با روزنامه ایران گفت: "تصمیم قضایی دادگاه برای غیر علنی برگزار کردن آن مورد تأیید وزارت اطلاعات است و این وزارتخانه معتقد است به دلیل وجود مسائل سری و امنیتی در این پرونده دادگاه باید غیر علنی برگزار شود." (راديو رژيم - ۱۲ دی ماه ۱۳۷۹)

چند روز بعد یونسوی با تأکید بیشتر "بر ضرورت غیر علنی بودن دادگاه رسیدگی به قتل‌های زنجیره ای و نشان ندادن چهره متهمان تأکید کرد و آن را نظر مسئله ولان نظام دانست. وی، غیر علنی بودن دادگاه قتل‌های زنجیره ای را بر اساس مصالح ملی دانست." (ایرنا: ۷۹ دی ماه ۱۹)

همچنین میرمحمد صادقی سخنگوی قوه قضاییه می گوید: "تشخیص علنی و یا غیر علنی بودن دادگاه با رئیس و قضای دادگاه است آقای میرمحمد صادقی با اشاره به محتومه اعلام شدن پرونده سعید امامی گفت بعد از فوت سعید امامی پرونده وی بسته شد، ولی قضای پرونده قتل‌های زنجیره ای آن را مطالعه کرد و در نهایت به موارد مؤثر در سرنوشت متهمان برخورد نکرد" (تلویزیون رژیم - ۱۲ دی ماه ۱۳۷۹)

روز ۱۷ دی ماه ۱۳۷۹ روزنامه همبستگی خبری منتشر می کند مبنی بر این که "شورای عالی امنیت ملی" خواستار سکوت روزنامه ها در این مورد شده است. روزنامه همبستگی می نویسد: "شنیده شد پیش از برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهام متهمان قتل‌های

زنجیره ای که به موضوعی ملی تبدیل شده است، کمیته امنیت شورای عالی امنیت ملی مصوبه ای گذراند که به موجب آن مطبوعات نباید استقلال و صلاحیت قضای و قانونی بودن دادگاه را زیر سؤال ببرند تا دادگاه در فضایی آرام به وظیفه قانونی خود رسیدگی کند. اما این مصوبه به مطبوعات ابلاغ نشد و در نتیجه در هفته اول تشکیل این دادگاه مطبوعات وابسته به جبهه دوم حرداد به بهانه غیر علنی بودن دادگاه به تضعیف آن ادامه دادند تا این که مقامات مسئول وزارت ارشاد مجبور شدند هشدار و تذکرات لازم را به مطبوعات مدعی قانونگرایی بدهند." (همبستگی ۱۷ دی ماه ۱۳۷۹)

بدین ترتیب مشخص می شود که معاون دادستان و رئیس دادگاه، مهره های بی مقداری بیش نیستند. ارزش اینان برای ولایت خامنه ای تنها اجرای درست اوامر ولی فقیه و رئیس قوه قضاییه تحت امر او و رئیس جمهور سر سپرده به خامنه ای است.

محمدرضا عقیقی کیست؟

نام محمدرضا عقیقی، وقتی از طرف رئیس قوه قضاییه به عنوان رئیس محکمه مأموریت یافت، مطرح شد. قبل از آن نامی از او مطرح بود و بعد از آن که به چنین مأموریتی گمارده شد نیز هیچ اطلاع مهمی در مورد او و سابقه اش انتشار نیافت.

بر اساس آن چه که تاکنون انتشار یافته، پس از جریان پیچ در پیچ تحقیقات و بازجوییها پیرامون قتل‌های زنجیره ای، در روز ۱۸ اسفند ۱۳۷۸ یک مقام مسئول در سازمان قضایی نیروهای مسلح که نخوابته نامش فاش شود به خبرگزاری جمهوری اسلامی می گوید "بر اساس صلاحیت مسئولان عالی رتبه، قضای و ضابطان رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره ای عوض شدند." (ایرنا - ۱۸ اسفند ۱۳۷۸) پس از مدتی در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۷۹ خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) اعلام کرد که "محمدرضا عقیقی دادیار دیوان عالی کشور، از سوی رئیس قوه قضاییه به عنوان رئیس شعبه ۵ دادگاه نظامی یک تهران مأموریت یافته است" ایرنا در همین اطلاعیه از قول محمدرضا عقیقی اعلام می کند که:

"این پرونده با صدور کیفرخواست علیه ۱۸ نفر از متهمان به اتهام امریت با مباشرت و یا معاونت در چهار فقره قتل عمدی ... در تاریخ ۹ شهریور ماه امسال به این دادگاه ارجاع شده است." محمد رضا عقیقی در همین روز در مورد مسأله علنی یا غیر علنی بودن دادگاه

می گوید: "دادگاه ... اگر محل امنیت و نظم عمومی جامعه نباشد به صورت علنی برگزار می شود" وی در پاسخ به این سؤال که آیا دادگاه "علاوه بر موضوع چهار فقره قتل به مسایل دیگر مطرح شده در جامعه پیرامون این قضیه از جمله سایر قتل‌ها نیز خواهد پرداخت" پاسخ می دهد که "طبق موازین قانونی از جمله ماده یک از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری، این دادگاه موظف است در چارچوب اتهاماتی که در کیفرخواست نسبت به متهمان عنوان شده به پرونده رسیدگی کند که در حال حاضر همان چهار فقره قتل است که به آن اشاره شد." روز ۱۳ آبان سال ۱۳۷۹ هادی مروی معاون اول قوه قضاییه اعلام کرد که "پرونده قتل‌های زنجیره ای هم اکنون برای رفع نقص در اختیار دادرسی نظامی قرار دارد." (ایرنا - ۱۳ آبان ۱۳۷۹) وی هم چنین اعلام کرد که "دستور داده شده است، جلو انتشار شننامه هایی که در این زمینه و بدون امضاء پخش می شوند، گرفته شود." (همانجا) روز ۳۰ آبان آیت الله محمود هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه رژیم ضمن اعلام مؤثر بودن "رهنمودهای مقام معظم رهبری و همدلی رئیس جمهور در پیگیری پرونده قتل‌های زنجیره ای" اعلام کرد که "تفایص پرونده قتل‌های زنجیره ای رفع شده است" و "این پرونده ملی مربوط به یک غده چرکین و خودسر در دستگاه وزارت اطلاعات است. در این زمینه تشبیهای بین قوای مجریه و قضاییه حل شده است." (تلویزیون رژیم - ۳۰ آبان ۷۹). از حرفهای شاهرودی می توان نتیجه گرفت که سران باندها و جناحهای اصلی رژیم بر سر فیصله دادن به این پرونده به توافق رسیده اند. دو روز بعد در تاریخ ۲ آذر خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) از قول شاهرودی می گوید: "تواضع اعلام شده از سوی قضای و وکلای مدافع در پرونده قتل‌های زنجیره ای رفع شده است." (ایرنا - ۲ آذر ۱۳۷۹) شاهرودی اظهار امیدواری کرده بود که قضای این پرونده با توجه به تجربه ای که دارد با رسیدگی و حکم صادر کند." (همانجا) تا اینجا مشخص می شود که محمدرضا عقیقی، دادیار دیوان عالی کشور بوده و از سوی رئیس قوه قضاییه به عنوان رئیس شعبه ۵ دادگاه نظامی یک تهران مأموریت یافته است. روز ۳ آذر، هادی مروی در مورد عقیقی می گوید: "یک قضای برای این پرونده انتخاب شده که تسلط کافی بر مبانی

بیت رهبری کانون آمران و عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای

بقیه از صفحه ۱۲
فقهی اسلام دارد و وکلای سابقه دار در مقابل اطلاعات حقوقی او زانو می زنند. (ایرنا - ۳ آذر ۱۳۷۹) بدین ترتیب "پرونده ملی" قتل‌های سیاسی زنجیره ای در اختیار کسی قرار می گیرد که "وکلای سابقه دار" در مقابل او "زانو" می زنند و البته اگر وکلای مثل ناصر زرافشان و شیرین عبادی تصمیم بگیرند که در مقابل او "زانو" نزنند، قبل از آن که پایشان به این بی دادگاه برسد، روانه زندان می شوند.

امران و عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای از نگاه کیفر خواست

قبل از برگزاری این بیدادگاه، بارها از ۱۸ تنی که قرار است محاکمه شوند صحبت می شد. پس از آن که اعلام شد سعید امامی (اسلامی) در زندان خودکشی کرده، نقشه دستگاه قضایی و امنیتی تحت امر خامنه ای به خوبی روشن شد. آمران اصلی قتل‌های سیاسی زنجیره ای با قربانی کردن سعید امامی (اسلامی) تصمیم گرفتند که برای پنهان ماندن نقش خود، سعید امامی (اسلامی) را از آمران اصلی قتل‌های سیاسی زنجیره ای اعلام کنند و پرونده بر همین اساس تشکیل شد. اما اعتراض‌های سعید امامی (اسلامی) حاوی نکاتی بوده که می توانسته بعضی از حقایق مربوط به این جنایتها را برملا کند. بنابراین دستگاه امنیتی - قضایی تحت امر ولی فقیه ابتدا تمامی اعتراف‌های سعید امامی (اسلامی) را از پرونده حذف و سپس "امران، مباشران و معاونان" را محدود به ۱۸ تن می کند. روز سوم آذر ۱۳۷۹، هادی مروی معاون قوه قضائیه اعلام می کند که "در بین متهمین قتل‌های زنجیره ای سعید امامی، موسوی و علیخانی به عنوان "امران اصلی" مطرح می باشند." (ایرنا - سوم آذر ۱۳۷۹) وی اضافه می کند که "در این رابطه ۱۸ نفر متهم می باشند که سه نفر آمر و بقیه مأمور بودند" (همانجا) و ادامه می دهد "در گفت و گوی من با موسوی وی اعتراف کرد که دستور داده است و مأمورین نیز می گویند درست است که ما از مافوق دستور گرفتیم، اما کور کورانه عمل نکردیم، ما این افراد را منحرف و وابسته به خارج می دانستیم." (همانجا) سازمان قضایی نیروهای مسلح در روز اول محاکمه در اطلاعیه خود اعلام می کند که: "بر اساس کیفرخواست

صادره متهمان ردیف یک و دو به عنوان آمریت در قتل و متهمان ردیف سه، چهار و پنج به عنوان مباشرت در قتل و ۱۳ متهم دیگر به عنوان معاونت در قتل تحت پیگرد قرار گرفته اند." (ایرنا - ۳ دی ماه ۱۳۷۹)

بنابراین سید مصطفی کاظمی و مهرداد علیخانی از نظر کیفرخواست "امران" قتل‌های سیاسی زنجیره ای و علی روشنی، محمود جعفر زاده و علی محسنی به عنوان "مباشران" و حمید رسولی، مرتضی حقانی، محمد عزیززی، ایرج آموزگار، ابوالفضل مسلحی، محمد حسین اثنی عشر، علی صفایی پور، علی رضا اکبریان، مرتضی فلاح، مصطفی هاشمی، علی ناظری، اصغر سیاح و خسرو براتی به عنوان "معاونان" معرفی شده اند.

چشم انداز این نمایش رسوا

طی بیست و دو سال گذشته و در طول حیات جمهوری اسلامی هیچ دادگاه عادلانه و بر طبق موازین بین المللی حقوق بشر تشکیل نشده است. صدها هزار تن از مردم ایران در بی دادگاهها موسوم به "دادگاههای شرع" در جمهوری اسلامی تحت محاکمه های غیر عادلانه قرار گرفته اند و در مورد آنان احکام جابرانه صادر شده است. بسیاری از زنان و مردان ایران طی محاکمه های چند دقیقه ای به اعدام محکوم شده و حکم اعدام در مورد آنان اجرا شده است. از این رو هیچ یک از محاکم رنگارنگ جمهوری اسلامی صلاحیت محاکمه هیچ یک از شهروندان ایرانی را ندارند و هر محاکمه ای در این نظام غیر عادلانه و سرکوبگرانه است. این امر شامل بیدادگاه نمایشی دستگاه قضایی تحت امر خامنه ای برای محاکمه رسوای تعدادی از عاملان قتل‌های سیاسی زنجیره ای نیز می شود. در این محاکمه رسوا، ممکن است باز هم افرادی قربانی شوند، همچنان که سعید امامی (اسلامی) قربانی شد. هدف مقدم دستگاه قضایی تحت امر خامنه ای، نجات این تعداد از عاملان قتل‌های زنجیره ای نیست، هر چند که ممکن است به آنان قول و قرارهایی داده باشند تا هر چه بیشتر گوش به فرمان تنظیم کنندگان پرونده باشند و بر اساس نظرات آنان نقش خود را اجرا کنند، اما جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن به هیچ قوق و قرار خود پایبند نیست. به هر حال به زودی معلوم خواهد شد که "عدالت اسلامی" با حکم محمدرضا عقیقی در مورد این "پرونده ملی" چگونه جاری خواهد شد. اما سران

جنایتکار رژیم به طور عام و خامنه ای و جنایتکاران مستقر در بیت او به طور خاص بیهوده می انگارند که می توانند این پرونده را پایان یافته اعلام کنند. این پرونده همچنان که پرونده ترور مخالفان رژیم در خارج از کشور و پرونده قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ واقعاً یک "پرونده ملی" است، اما نه با تفسیر گردانندگان جمهوری اسلامی که از "ملی" بودن پرونده، "وحدت منافع و اتفاق نظر" جناحها و باندهای تشکیل دهنده نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه را مد نظر قرار می دهند، بلکه پرونده قتل‌های سیاسی زنجیره ای یک "پرونده ملی" است زیرا روشن شدن تمام حقایق پیرامون این پرونده، سیمای واقعی نظام اهریمنی ولایت فقیه را هر چه عریان تر در مقابل چشم همه قرار می دهد. از این رو یک محاکمه عادلانه در مورد این "پرونده ملی" در حقیقت محاکمه ایست عادلانه و بر طبق موازین شناخته شده بین المللی که در آن سران جمهوری اسلامی به عنوان جنایتکاران علیه بشریت در آن محاکمه خواهند شد. از طرف دیگر همین محاکمه نمایشی تا آنجا که به تضادهای درونی رژیم بر می گردد، پایان ماجرا نخواهد بود. گزارش رئیس "کمیسیون امنیت ملی" مجلس ارتجاع که روز ۲۰ دی ماه در جلسه "غیر علنی و غیر رسمی" مجلس ارائه شد، استخوان دیگری است که در لای زخم چرکین شده تضادهای درونی رژیم قرار داده شد. (ادامه دارد)

ریر نویس:

۱- روز ۱۲ آبان خبری مبنی بر چاپ و پخش یک جزوه ۸۰ صفحه ای شامل اسامی ۱۴۰ تن از بازجوهای وزارت اطلاعات انتشار یافت. شورای امنیت ملی بلافاصله از مطبوعات خواست که پیرامون این افشاگری هیچ خبری منتشر نکنند و رئیس قوه قضائیه نیز طی نامه ای به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح خواستار برخورد با کسانی که پیرامون قتل‌های زنجیره ای دست به افشاگری می زنند شد.

متن نامه ی رئیس قوه ی قضائیه به این شرح است:

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد نیازی، رئیس محترم سازمان قضایی نیروهای مسلح، بدین وسیله جنابعالی موظف می شوید در چارچوب وظایف قانونی آن سازمان با کسانی که به بهانه ی نظریه پردازی پیرامون قتل‌های اخیر مشهور به قتل‌های زنجیره یی به افشای اسرار نظام می

پردازند و امنیت ملی را تهدید می کنند و یا با انتشار شبنامه و پخش تهمت و افترا به اشخاص حقیقی و حقوقی موجبات تشویش اذهان عمومی را فراهم می سازند برخورد قاطع و قانونی کنید تا در فضایی آرام عاملان قتل‌های اخیر محاکمه و به مجازات عملشان برسند. بی شک حفظ نظام از اهم امور است و همه در برابر حفظ اسرار آن و مقابله با توطئه گران علیه جمهوری اسلامی ایران مسئولند -

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه ی قضائیه

۲- مجلس شورای اسلامی در پایان جلسه علنی خود، برای دقایقی، جلسه غیرعلنی - غیررسمی داشت. در این جلسه، محسن میردامادی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گزارش این کمیسیون را در خصوص مسأله قتل‌های زنجیره ای که در نتیجه شش ماه بررسی، نوشته شده است، برای نمایندگان قرائت کرد. علی شکوری راد عضو هیأت رئیسه مجلس در پایان نشست غیرعلنی به خبرنگاران گفت: این گزارش ابعاد از مسأله قتل‌های زنجیره ای روشن می کرد ولی پرده از ابهام همه مسایل بر نمی داشت که آن هم به دلیل محدودیت در بررسیهای کمیسیون بود. وی اظهار داشت، به همین دلیل، برخی از نمایندگان تقاضای پرسش و پاسخ داشتند ولی چون گزارش در همین حد قابل ارائه بود و بیش از این امکان بحث در این باره نبود، پرسش و پاسخ انجام نشد. شکوری راد در مورد دلایل ابهام گزارش کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت، عدم همکاری برخی افراد که باید دعوت کمیسیون امنیت ملی را می پذیرفتند و برای ادای پاره یی توضیحات به این کمیسیون می آمدند و نیز عدم دسترسی به پرونده قتل‌های زنجیره ای از جمله محدودیتهایی بود که موجب برخی ابهامات در گزارش مزبور شده است. عضو هیأت رئیسه مجلس گزارش کمیسیون امنیت ملی مجلس را در خصوص قتل‌های زنجیره ای، متفاوت با برخی مطالب و گزارشهای رسمی سازمان قضایی نیروهای مسلح دانست و گفت، این تفاوتها قابل توجه بود. عضو هیأت رئیسه مجلس اضافه کرد، به دلیل آنکه نتیجه دادگاه قتل‌های زنجیره ای هنوز روشن نیست، نمی دانیم تمام متهمان محاکمه میشوند یا بخشی از آنها، اطلاعات ماکافی نیست، ممکن است متهمان دیگری هم وجود داشته باشند که بخواهند به اتهامات آنها رسیدگی کنند. (ایرنا ۲۰ دی ماه ۱۳۷۹)

سناریوهای سقوط و میلیسویج (۲)

- فرزاد پائیز

سناریوی سوم: پروژه خاتمی

پروژه خاتمی اساساً برای رد و پلان این تز مقاومت که "افعی کبوتر نمی زاید" به صحنه آورده شده است. نگارنده به عنوان شخصی که تبلیغات جهانی و رادیوهای فارسی زبان و مشخصاً بی بی سی را در داخل ایران مرتباً دنبال می کردم شاهد بودم که از دو سال قبل از دوم خرداد ۷۶، چگونه برای انتخابات ریاست جمهوری تبلیغ می شد. ماجرای دادگاه میکونوس و به بن بست رسیدن روابط اروپا با رژیم تهران به این تبلیغات شتاب بیشتری داد. در دوم خرداد ۷۶، من در ایران بودم و شاهد بودم که چگونه دستهایی نامرعی، جمعی از توده را برای رای دادن قانع کرد. چگونه در ذهن آن اغنام الله فرو شد که خاتمی با بقیه آخوندها فرق دارد. مسلماً عوامل وزارت اطلاعات نیز هم جهت با تبلیغات جهانی در این امر دست داشتند. شعار "نبویسید خاتمی، بخوانید ناطق نوری" پیش از ۲ خرداد، خاتمی را در افکار عمومی برنده ساخته بود. ضمن آن که، تمایل عمومی به تودهنی زدن به خامنه ای که از ناطق نوری صریحاً حمایت کرده بود را نباید نادیده گرفت. به همین علت این "ته" به نظام ولایت فقیه نباید با "آری" به خاتمی اشتباه گرفته شود. این که چه تعدادی در این انتخابات شرکت کردند (مسلماً آمار واقعی ۲۰ میلیون رای نیست و خیلیها مانند همیشه، انتخابات را تحریم کردند) پس از سقوط این رژیم معلوم خواهد شد. اما در تمام طول انتخابات، تبلیغات بی بی سی روی شرکت جوانان و زنان در انتخابات (یعنی دو پارامتری که مقاومت بر آن تکیه دارد) متمرکز بود. پس از انتخابات هم مانند همیشه بی بی سی اعلام کرد که تعداد شرکت کنندگان بیشتر از انتخابات قبلی بوده است. دیگر شبکه های خبری جهانی هم پوشش وسیعی به آن انتخابات دادند. اما پروژه خاتمی با ۲ خرداد، تنها آغاز شده است. مقصد نهایی آن، استحاله و رفرم نظام ولایت فقیه است. خود خامنه ای هم به خوبی این خطر را احساس کرده و به همین دلیل پروژه حذف خود را با فروپاشی شوروی شبیه سازی می کند و از قبل اخطار می دهد که حاضر به صلح امام حسنی نیست و امام حسینی تا آخرین لحظه خواهد ایستاد. خیزش وزارت اطلاعات برای مهار جریان استحاله، با ارتکاب قتلهای زنجیره ای، تحلیل مقاومت مبنی بر این که خاتمی از بحرانهایی رژیم سر برآورده و ناخواسته و به شکل جام زهر به رژیم تحمیل شده است را به خوبی اثبات می کند. از ۲ خرداد ۷۶ تا

ماجرای کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۷ تبلیغات جهانی به سمت دو قطبی کردن ایران (همانند ماجرای شوروی) پیش می رفت: قطب اول خاتمی، نماینده گفتگو و دیالوگ و عدم خشونت و آزادیهای فردی و حقوق اساسی شمرده می شد و قطب دوم خامنه ای (و نیز رفسنجانی) به عنوان نماینده دیکتاتوری و تند روی و واپسگرایی و انحصار تبلیغ می شد. در تبلیغات مرتباً به تضاد و رویارویی این دو قطب هر چه بیشتر دامن زده می شد و زمینه برای حذف خامنه ای و رفسنجانی از صحنه فراهم می گردید. ماجرای کوی دانشگاه فرصتی طلایی بود برای استعمار و خاتمی تا به خوبی و خوشی پروژه را به انجام برسانند. از روز اول حمله به کوی دانشگاه، دستگاه تبلیغات جهانی روی حوادث ایران متمرکز شدند و پوششی خبری بی نظیر و گسترده ای را سازمان دادند (چیزی که در دیگر حوادث مشابه و به مراتب اسفبارتر از کوی دانشگاه نظیر شورش آبادان و خرم آباد مشاهده شد و در آینده هم در حوادث بدتر از آن هم بعید است مشاهده شود) هم کوششها بر این بود که ملت دستگاه ولایت فقیه را واژگون کند و خاتمی را جای آن بنشانند. اما آنچه در این میان خام خیالی استعمار را آشکار نمود وجود مقاومت و توان سازمانی آن بود. و به علاوه ملت ایران اکنون تجربه انقلاب بهمن و رهبری غاصب خمینی و تجربه دوم خرداد را در اختیار داشت و بسیار هوشیارتر از آن چه بیگانگان فکر می کردند عمل کرد و مضافاً مقاومتی داشت که در خط پیشتان به آنها خط و جهت عمل می داد. مقاومت البته ضربات خود را بلافاصله بعد از دوم خرداد با مجازات لاجوردی آغاز کرده بود اما در جریان کوی دانشگاه عمق، نفوذ خود را در میان مردم و دانشجویان آشکار ساخت. شعارها به سرعت به شعارهای سرنگونی و حمله به مراکز دولتی تبدیل گردید. به گونه ای که عرصه را حتی برای جاه طلبی های کم رنگ خاتمی هم تنگ کرد و ناچار دستور به سرکوب جریانی داد که از ابتدا برای سلطنت او برنامه ریزی شده بود. تحلیل مقاومت مبنی بر این که خاتمی نه می خواهد و نه می تواند ولی فقیه را پایین بیاورد از این طریق عملاً اثبات شد. چه بهترین فرصت برای خاتمی قیام ۱۸ تیر بود. اما دیدیم که او عملاً جز حمایت از خامنه ای کار دیگری انجام نداد. اگر به تبلیغات جهانی بعد از ماجرای کوی دانشگاه توجه کنیم متوجه این چرخش می شویم که پس از فروکش کردن قضیه کوی دانشگاه، خامنه ای دیگر به عنوان دیکتاتور و تندرو و واپس گرا معرفی نمی شود بلکه برعکس خامنه ای به عنوان کسی که پشتیبان خاتمی و اصلاحات اوست معرفی می گردد! نمونه های این تبلیغات علاوه بر

تبلیغات رادیویی انگلیسیها و آمریکاییها و فرانسویها، در روزنامه های این کشورها از قبیل لس آنجلس تایمز و نیویورک تایمز و فاینانشنال تایمز و ایندپیندنت و غیره قبل و بعد از ماجرای کوی دانشگاه به خوبی قابل رؤیت است. پس از ماجرای ۱۸ تیر، جهت تبلیغات جهانی از سمت و قطبی کردن ایران (قطب خاتمی - قطب خامنه ای) و تبلیغ تضاد این دو، به سمت یک قطبی کردن آن یعنی تبلیغ روی توهمی به نام دموکراسی اسلامی چرخیده است. در این توهم جدید البته که باید تبلیغ شود که خامنه ای هم میانه رو و اصلاح طلب است! از آن زمان تاکنون خیزشها و تمایل ملت ایران برای سرنگونی رژیم با عباراتی که در پایان این بخش آورده ام، وارونه نشان داده می شود. جنبش عدم خشونت برای تحقق دموکراسی! گفتگوی متمدانه و بدون خشونت! فعالیت احزاب در چارچوب قانون! حرکت به سمت تطبیق دین و دموکراسی در ایران! استراتژی حرکت آرام با نفی تروریسم و خشونت در جهان امروز! اینکه ملت ایران انقلاب دیگری را نمی خواهد بلکه خواستار اصلاح است! ملت ایران از خاتمی و اصلاحات او حمایت می کند! انقلابها همیشه به کشتار و قتل عام و سرکوب منجر می شوند! پس از هر انقلاب یا حرکت خشونت آمیزی، دیکتاتوری دیگری برقرار می شود! اشخاص مسئول فجایع کنونی مملکت ما نیستند بلکه ساختار جامعه (و نه حکومت!) و فرهنگ خشونت و تاریخ استبداد علت آن است!

سناریوی چهارم: سقوط میلیسویج

منطقه بالکان تا قبل از جنگ جهانی دوم، منطقه نفوذ انگلیس به شمار می آمد. پس از جنگ جهانی دوم، انگلیسیها همواره آرزوی تجدید نفوذ خود را در این منطقه داشته اند. این موضوع از نظر منابع و مسائل استراتژیک در این منطقه قابل تحقیق است. پس از فراهم کردن فروپاشی شوروی، بلافاصله تجزیه اقمار آن به ضرب کشتارهای مهلکی که به وقوع پیوست آغاز شد. مردی که در زمان تیتو از هر نژاد و مذهب و قومیت، برادرانه در کنار هم زندگی می کردند ناگهان به آنها الهام شد که دشمن هم هستند! ظرف مدت کوتاهی کینه ها بالا گرفت و آتشها شعله ور شد. ضمن این که بی کفایتی مسئولان و بوسیدگی نظم پیشین و خواب زدگی مردم را نباید نادیده گرفت. اما در این مدت هم در تبلیغات جهانی، خبری از جنبش ضد خشونت و حرکت در مسیر قانون و گفتگو و دیالوگ نبود. سناریوی تجزیه بود. آخرین سنگری که پس از تجزیه های اولیه باقیمانده بود،

صربستان و مونتنگرو بود. (در اینجا بحثی در مورد جنایتکار بودن این فرد یا آن فرد نیست - کما این که در مورد محمدرضا شاه و یا نظام سابق شوروی بحثی نیست - چه اگر امپریالیستها به حقوق بشر و جان بی گناهان علاقمند بودند اولین جایی را که می بایست به آن می پرداختند رژیم آخوندی بود یا اگر آنان به سرنوشت نوع بشر علاقمند بودند کمی از غذای خود را به گرسنگان آفریقا می بخشیدند) پس از این که بمبارانهای متمدانه غرب که تر و خشک و پیر و جوان و زن و بچه را با هم سوزاند نتوانست میلیسویج را همانند صدام حسین وادار به تسلیم کند نیروی نظامی ناتو عقب نشست اما آنان این بار از در دیگری وارد شدند. یوگوسلاوی ظاهراً کشور دموکراتیکی بود. انتخابات پارلمانی داشت. ظرف یک ماه قبل از انتخابات، فردی را که کسی نه نامی از او شنیده بود و نه کسی او را به خوبی می شناخت به عنوان رهبر اپوزیسیون علم کردند و دستگاه تبلیغات جهانی و مشخصاً بی بی سی به طور هماهنگ روی وی تبلیغ کردند. تحریمهای اقتصادی که اروپا و جهان بر یوگوسلاوی اعمال کرده بود مدت زمانی طولانی نمی بایست ادامه داشته باشد (همان تحریمها علیه ایران بعد از دادگاه میکونوس) آخر تجار محترم اروپایی به کسب و کار تشریف خود بسیار علاقه دارند! نتیجه انتخابات جالب بود: میلیسویج پیروز نشد اما هیچکس اکثریت مطلق را به دست نیاورد و انتخابات قانوناً به دور دوم کشیده شد. اما از آن جا که امپریالیستها به حکومت قانون عدم خشونت و آزادی انتخابات بسیار علاقمندند، نگذاشتند کار به دور دوم بکشد و خودشان به جای مردم یوگوسلاوی، رئیس جمهورشان را انتخاب کردند: در فاصله باقیمانده تا دور دوم انتخابات، تبلیغات سرسام آور جهانی روی این نکته متمرکز شده بود که میلیسویج نتیجه انتخابات را نپذیرفته و از قدرت کناره گیری نمی کند! حتی صحبت کاربرد دوباره نیروی نظامی هم به میان آمد. (می بینید چقدر امپریالیستها به سرنوشت مردم یوگوسلاوی و دموکراسی علاقمندند؟! عوامل آنان به کمک سادگی و کم تجربگی مردم یوگوسلاوی تظاهرات پیوسته ای را سازمان دادند و حتی کار به حمله به پارلمان (یعنی سمبل دموکراسی) و آتش زدند خودروها کشاندند و از آن سو با تحسین اروپاییها و آمریکائیها تشویق شدند (چه خوب گفته است آقای مسعود رجوی: استعمارو ارتجاع از خشونت که توسط خودشان اعمال نشود بدشان می آید!) و سرانجام این که پروسه ای که می بایست ماجرای قانونی خود را طی کند، نامش را انقلاب مردم یوگوسلاوی گذاشتند!

بقیه در صفحه ۱۶

“عبور از خاتمی، عبور از رژیم”

— فرهاد رشادت

سرکوب، خفقان مطلق و شرایط نابسامان اقتصادی، ماحصل رژیم استبدادی، مذهبی ملاما می باشد. این ناپستمانیها، رشد فزاینده نارضایتی توده ها را دامن زده و بازتاب این نارضایتی در رژیم، همانا شقه شدن حاکمیت به دو جناح عمده و چندین خرده جناح شده است. این اشتقاق در آخرین انتخاب ریاست جمهوری رژیم موجب آفرینش “حماسه دوم خرداد” گردید. جناح دوم خردادی رژیم با آگاهی از نارضایتی روزافزون توده ها، با شعار “اصلاحات، جامعه مدنی و حکومت قانون” سعی نمود تا با مهار توده ها، جنبش اعتراضی برای سرنگونی را به سمت و سوی “اصلاح طلبانه” به منظور حفظ تمامیت رژیم سوق بدهد. صرف نظر از عملی یا غیر عملی بودن اصلاحات واقعی در چارچوب این رژیم، جناح دوم خرداد تا مقطع آخرین انتخابات مجلس رژیم، ناتوانی اش در عملی کردن وعده های داده شده را، موکول به به در اختیار گرفتن قوه مقننه رژیم می کرد. در عین حال، در فاصله پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری تا پیروزی سایر دوم خردادیها در مجلس رژیم، یک رشته موارد مشخص مانند مجازات آمران و عاملان ضرب و شتم دانشجویان در حوادث دانشگاهها، مجازات آمران و عاملان قتلهای سیاسی زنجیره ای، تضمین آزادی عقیده و بیان در چارچوب قانون، اصلاح قانون مطبوعات و چند مورد دیگر شاخص عمل به اصلاحات موعود، توسط مصلحان دوم خردادی شدند. نگاهی گذرا به دستاوردهای “اصلاح طلبان”، آینده و جناحهای مختلف آن را می تواند به خوبی نشان دهد.

برخورد “اصلاح طلبان به جریانات دانشگاهها؛ بر اساس آخرین اخبار رسانه های داخلی تا مقطع تیر و مرداد ۱۳۷۹، اکثر دانشجویان دستگیر شده پس از شکنجه و تعزیر در زندانها، در بیدادگاههای رژیم محکوم به چندین و چند سال حبس شده اند. اما در مورد آمران و عاملان ضرب و شتم دانشجویان، ابتدا قضیه را با ورود “لباس شخصی”های بدون هویت و نهایتاً غیر قابل ردیابی لوٹ کردند و از آمران ضرب و شتمها نیز سردار پاسدار نقدی را شناسایی نموده تحویل دادگاه دادند. او نیز در نهایت توسط قضاات دادپروور رژیم از اعمال هرگونه جرم تبرئه شد. تا اینجا قضیه که همان داستان همیشگی دادخواهی در بیدادگاههای رژیم بوده. اما “اصلاح طلبان” دوم خردادی نیز ترجیح دادند چشم و دهان بسته، “آرامش فعال” پیشه نموده و از این طریق به مبارزه فعال خود علیه جناح هار رژیم ادامه دهند.

آزادی بیان خودیها از دیگر چالشهایی بود که مصلحان دوم خردادی باید به آن می پرداختند. تقریباً اکثریت قریب به اتفاق قلمزنان مهم دوم خردادی و فعالان جنبش مدنی در چارچوب رژیم استبدادی، عقیدتی حاکم یا ممنوع القلم شده اند یا در زندان بوده و یا همچون کریم شیوه ای دستگاه استبداد، ندامت کرده، نامه نوشته و آزاد شده و آزادانه مرده گی می کنند. فعالان دوم خردادی و شرکت کنندگان در کنفرانس برلین چون سحابی، اشکوری، باقی، گنجی، زید آبادی، رستم خانی و دیگران از این گروه، صرفنظر از این که در مصاحبه و یا در بیدادگاه تا چه حد بر حمایت خود از تمامیت رژیم و ضدیتشان با نیروهای انقلابی تاکید کرده و بکنند، تا زمانی که رژیم بتواند سعی خواهد کرد تا آنها را نیز به موضع ندامت و غلط کردن گفتنهایی همچون نبوی طننازا بکشد.

خاتمی رهبر مصلحان دوم خردادی که در اجرای حکم قتل عام زندانیان سیاسی چهار نعل می تازیده (بنا به افشاگری رفسنجانی)، از ترس هرگونه رویارویی با خامنه ای که منتج

به فعال شدن و تهییج توده ها بشود، نه تنها جرأت نمی کند برای آزادی نزدیکترین همکارانش حتی کلمه ای بگوید، بلکه در مقابل فشار جناح هار عقب نشینی دیگری کرده و در سخنرانی اش در ۱۶ آذر ۱۳۷۹ در پاسخ به جمعیت در مورد وجود زندانیان بیگناه، می گوید: “با کدام مجوز می گویند که زندانی بیگناه در زندان است. کدام زندانی بیگناه در زندان است.” در این مورد خاتمی تصمیم گرفته ایستاده، خفه شود.

قتلهای زنجیره ای از دیگر موارد برجسته ای بود که دوم خردادیها به کرات قول دادند، آمران و عاملان آن را بیدا، افشا و محاکمه کرده و به مجازات برسانند. در این رتباط ۳۰ تن از پاسدار، اطلاعاتی رژیم دستگیر شده از این میان یکی را که شاید مهمترین مهره اجرایی جریان هم بوده، شربت خور کردند و باقیمانده وحوش را هم تا آنجا که می توانستند قبل از هر گونه محاکمه ای در هر گونه دادگاهی آزاد کردند. در حالی که رژیم چندین عنصر درجه چندم پاسدار، اطلاعاتی را در دادگاه در بسته نظامی، بدون حضور رسانه ها و مردم، محاکمه کرد، خانواده قربانیان نیز در اعتراض به شیوه برگزاری دادرسی و دادگاه نظامی از حضور در دادگاه خودداری کرده اند. عدالت آخوندی در همین راستا ناصر زرافشان یکی از وکلای خانواده قربانیان را بازداشت نموده، شیرین عبادی، یکی دیگر از وکلای نیز پرونده و کالتش لغو و به ۵ سال زندان محکوم شده است.

آزادی مطبوعات دوم خردادی و اصلاح قانون مطبوعات رژیم به نفع جناح “اصلاح طلب” حاکمیت یکی از مهمترین بخش از مبارزه بین دو جناح را تشکیل می داد. در حالی که جناح هار مطبوعات دوم خردادی را فله ای تعطیل کرده بود، مجلس دوم خردادیها لایحه اصلاح قانون مطبوعات را در دستور کار خود قرار داد. اصلاحاتی از قبیل حذف تبصره ۷ از ماده ۹ قانون مطبوعات، دال بر این که “مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود،

به عهده مدیر مسئول است. ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم (تحریر مطلب نایاب و مضر)، دخالت داشته باشند، نخواهد بود.” دیگر تغییر ماه ۲۷ قانون مطبوعات که - نویسنده و مدیر مسئول رسانه ای که به رهبری اهانت کند، مستحق مجازات می داند - به “هر گاه نشریه ای به رهبری یا یکی از مراجع مسلم تقلید اهانت کند، نشریه از طرف هیأت نظارت به طور موقت تعطیل و پرونده برای رسیدگی به دادگستری ارسال خواهد شد و دادگاه نیز موكلف خواهد بود حداکثر ظرف مدت یک ماه به پرونده رسیدگی کند.” یا الحاق تبصره ای به ماده ۳۴ قانون مزبور ناظر بر این که - توقیف و یا لغو پروانه نشریات منحصراً بر اساس مقررات این قانون و اصلاحیه انجام خواهد گرفت.” اما جناح هار حاکمیت این مقدار حک و اصلاح را نیز تاب نیاورد و برای تحت کنترل درآوردن تمام و تمام دوم خردادیها این بار “قاعد اعظم” رژیم به میدان آمده و با صدور حکم حکومتی جلوی هرگونه مانور دوم خردادی را گرفت. در مقابل خاتمی رهبر مصلحان پس از بازگشت از سفر آلمان با گردنی خمیده به دستبوس خامنه ای رفت. ولی فقیه که می خواست همه کاملاً شيرفهم شده باشند به خاتمی فهماند که ایران، شوروی نیست و تو نیز گورباچف نیستی. بدین ترتیب یک بار دیگر خامنه ای به دوم خردادیها گفت خفه شید، بتمرکید و خاتمی در عین تمرکیدن تسبیح چرخاند و دم نزد.

پس از این ماجرا، دوم خردادیهای توسری خورده مانند مجاهدین انقلاب اسلامی به جناح هار هشدار دادند: “اگر بتوانند ملت را از اینسند اصلاحات ناامید کنند، نتیجه بلافصل آن در میان توده مردم انفعال، و در میان جوانان پر شور و عدالتخواه نیز جز یاس از راه حلهای قانونی و آرام اصلاحات و سوق دادن آن به سوی راه حلهای تند، افراطی، آناارشیستی و سرانجام براندازانه نخواهد بود. چیزی که

سازمانهای تروریست برانداز به انتظار آن نشسته اند.” جناح هار در عین حال راه بیرون رفت دوم خردادیها از محممه و نیز اثبات برادری را نیز به آنها نشان می دهد. “... باندبازی سیاسی در مدارس و بچه ها را به جان هم انداختن کار خطرناکی است... نیازها با امکانات برابر نیست و مجلس به این موضوع آگاه است. تورم و گرانی وحشت انگیز، خط فقر هم که معلوم است.” به عبارت دیگر می گوید، باید جلوی سیاسی شدن جامعه را گرفت.

نگاهی گذرا به موضعگیریهای خاتمی در قبال هر یک از این مسائل و خط کشیهای جناح هار به نوعی تعیین کننده سرنوشت و اصلاحات دوم خردادی می باشد. خاتمی در سخنرانی خود در روز دانشجو در مورد انتظارات دوم خرداد از دانشجویان (و نه عکس آن) می گوید: “... نقد آری، نفی و براندازی نه و این رمز راز پیشرفت کشور، ملت، دانشجو و دانشگاه است.” در مورد حک و اصلاح قانون اساسی بدین شکل موضع می گیرد: “امروز سخن از تغییر قانون اساسی که به نحوی تغییر نظام است، خیانت به نظام اسلامی و ملت ایران است.” او در مقابل اصرار حاضران در افشای “گروههای فشار” می گوید: “چه کسی را افشا کنیم. چیز نهانی نیست که افشا شود، این توقعات نابخاست.” در مورد قتلهای سیاسی زنجیره ای می گوید: “اگر عنایت و همراهی رهبر بزرگوار نبود این مشکل حل نمی شد.” البته در این میان شهامت به خرج داده و از موضع در یوزگی و گدایی از نظام تقاضا می کند که به او قدرت اجرایی بیشتری برای پیشبرد مقاصد نظام و منویات رهبری داده شود.

بدین ترتیب دوران اصلاحات دوم خردادی پیش از این که شروع شود به سر رسیده است. جناح هار حاکمیت اگر چه توانسته است جناح دیگر را وادار به قبول و دنباله روی از مواضع خود کند، اما بقیه در صفحه ۱۶

«عبور از خاتمی» عبور از رژیم

سناریوهای سقوط و ...

از میان نامه های رسیده

البته اینها همه

احوال «اصلاح طلبانی»
است که اظهار می کنند
معتقد به ولایت فقیه

هستند و در چارچوب

قانون اساسی جمهوری

اسلامی فعالیت می

کنند. وقتی آشکوری

متهم به ارتداد می شود

علما و فقها به حمایت از

او بر می خیزند که او

مسلمانی معتقد و مومن

است. تکلیف کسی که

معتقد به ولایت فقیه

نباشد و قانون اساسی

جمهوری اسلامی را

قبول نداشته باشد

پیشاپیش روشن است و

اصلاً نیاز به دادگاه ندارد.

این دادگاهها از

طرف دیگر نشان می

دهد افرادی مانند اکبر

گنجی و امثالهم مهره

هایی آرایش شده از

جانب حکومت بوده و به

عنوان سویاب اطمینان

عمل می کنند. مهدیه

محمدی همسر زید

آبادی، خبرنگار زندانی

در یکی از مصاحبه

هایش با رادیو آزادی

بیان کرد که از همسرش

خواستگاری اند دفاعیه اش

را قبلاً به قاضی ارائه

کند و اگر دفاعیه مورد

تایید بود زمان دادگاه را

مشخص خواهند کرد.

همین طور گفت که

همسر مسعود بهنود هم

گفته که بهنود دفاعیه

اش را داده و برایش

مشخص کرده اند که چه

قسمتهایی را حذف و چه

چیزهایی به دفاعیه

اضافه کند. یعنی همه

محاکمات نمایشی است.

و هدف آن سرکوب و

مهار و انحراف رود

خروشان از مطالبات و

اعتراضات مردمی که از

گوشه و کنار میهن ما

سرازیر شده تا ارتجاع و

اپارتاید و استبداد را با

خود ببرد و برای همیشه

به باتلاق نیستی سرازیر

کند، است.

آنانی که خود را

اصلاح طلب و صادق

می نامند هنوز جرأت

ندارند صریحاً بگویند که

این قانون اساسی،

بقیه از صفحه ۱۴

(توجه کنید اینجا دیگر انقلاب
کار خوب و مفیدی است!) میلیسویچ
کناره گیری کرد و همه چیز به خوبی
و خوشی به نفع تجار محترم تمام شد!
گرچه حوادث بدی نشان داد که مسکو
هم اصرار چندانی برای حفظ
میلیسویچ نداشت.

غیر از این چهار سناریو، البته
موارد دیگری را در دیگر نقاط جهان
در محدوده مناطق تحت نفوذ آمریکا
یا فرانسه می توان ذکر کرد اما غرض
از ارائه این چهار سناریو، تشریح نقش
دستگاههای تبلیغاتی جهانی و عوامل
اجرائی آن دستگاههای تبلیغاتی در
تغییر افکار و القاء باورهایی (که مسلماً
نفع آن دستگاههای تبلیغاتی را ارضا
می کند) به توده ناآگاه و عوام است.

این دستگاه تبلیغاتی و اجرائی چندین
بار در کشور ما با موفقیت عمل کرده
است و نقشه های شیطانی خود را
پیش برده است. به راستی چگونه
است که اکثریتی عاقل، عکس خمینی
را در ماه بیند؟ به راستی چه
مکانیزمی باعث گردید که ملت ایران
هنگام کودتا علیه مصدق، خود را کنار
بکشد و بی تفاوت بماند؟ همان
طوری که به درستی تحلیل شده، نبود
نیروی سازمان یافته مردمی و خلاء
رهبران پاکباز علت اصلی این پدیده
است اما نقش تبلیغات و عوامل بیگانه
را نباید نادیده گرفت. قابل توجه این
که از این چهار سناریو، تنها موردی
که امپریالیستها شکست خوردند پروژه
خاتمی بود. و این دقیقاً به علت وجود

مقاومت و هوشیاری آن است که هر
تلاشی برای تغییر در ایران از مجرای
غیر از مقاومت را غیر ممکن ساخته و
با شکست مواجه ساخته است. اما تنها
راه مقابله با این دستگاه تبلیغاتی
جهنمی، ایجاد هر چه بیشتر اذهان
آگاه است. مقاومت ایران همان گونه
که تاکنون تمام تلاشهای دشمنان
ملت ایران را به خوبی خنثی کرده،
باید نیروی بیشتری را صرف تبلیغات
و نفوذ در اذهان عمومی و روشن
کردن و آگاهی دادن به عموم و
منجمله افکار عمومی برای تمام
جهانیان به کار گیرد. نیروهای دست
اندرکار تبلیغات مقاومت می بایست
راههای نوین و کارهای دیگری در
جهت اطلاع رسانی عمومی، رساندن
اخبار صحیح با آخرین سرعت ممکن
و مقابله با این دستگاه تبلیغات
سوادگری، ابداع نمایند. در این عصر
ارتباطات آن را دست کم نگیریم و در
این راه بیشتر اهتمام کنیم.

پایان

بقیه از صفحه ۱۵

خرداد ماه و دور جدیدی
از انتخابات ریاست جمهوری
رژیم به زودی فرا خواهد
رسید. رژیم مجبور است که
نمایش انتخاباتی جدیدی به
راه اندازد و جناح هار به خوبی
درک کرده که عبور از خاتمی
در این مقطع تاریخی می تواند
به معنی عبور از تمامیت رژیم
باشد و بنابراین مجبور است
تاکتیکهای جدیدی را برای
پیشبرد اهداف و مقاصد خود
اتخاذ کند. درست در همین
راستاست که دوم خردادها
عنوان می کنند که محافظه
کاران قصد دارند خاتمی را به
عنوان نماینده خودشان معرفی
کنند و از طرف دیگر جناح هار
نیز سعی می کند با مطرح
کردن مستقیم و غیر مستقیم
افرادی مانند عسگرآولادی و
امثالهم تنور این شعبده بازی
انتخاباتی را گرم نگاه دارد.
شورای ملی مقاومت به
درستی از ابتدای سر سر کار
آمدن خاتمی، عنوان می کرد
که اصلاحات دوم خردادها و
جامعه مدنی اینان نیز شعبده
بازی دیگری از نوع سازندگی
و مدراسیون دوران رفسنجانی
می باشد و بس. رژیم سعی
خواهد کرد با جو سازی و آمار
تراشی انتخابات آینده را حتی
اگر نتواند بزرگتر از شعبده
بازی دوران قبل بنماید، اما
اکنون این نیروهای انقلابی
جامعه هستند که باید دست
رژیم را پیش از آن که بتواند
به انتخابات ارتجاعیست جامعه
ی عمل ببوشاند، برای خلق
باز کنند. انتخابات آینده
ریاست جمهوری رژیم، به
دلیل شکست دوم خردادها در
ایفای نقش سویاب اطمینان
رژیم و نفرت دائماً فزاینده
توده ها از رژیم و بخصوص از
جناح هار و نمایندگانش به
درستی می تواند و این
پتانسیل را دارد که تبدیل به
آخرین شعبده بازی رژیم نیز
بشود.

توضیح نبردخلق: این
مقاله به دلیل طولانی بودن و
حجم محدود صفحه های نبرد
خلق کوتاه شده است.

به یاد او که از او نشانی نماند

ب . پرستو

نامی از او نماند

نشانی نماند

کلامی از او نماند

برای یاران

در آن هنگام

که ستاره ها چو یاران

بر زمین می ریختند

در آن هنگام تردید

خورشیدی بود که از زمین روید

و کسی او را ندید

کسی از آن خیل بی شماران

چشمهای درون تاریکی

بر روی نور بسته می شوند

همقطاران

قوانین عهد بوق است. نمایندگان
غریبال شده «اصلاح طلب» آن قدر
شهامت ندارند که به وعده های خود
عمل کنند، تغییری ولو جزئی در قانون
مطبوعات بدهند یا توان ندارند که
حتی از حقوق دختر بچگان ۹ ساله
دفاع کنند و سن قانونی ازدواج را کمی
بالا تر ببرند.

جنبش مردم ایران به زودی تمام
این مدعیان اصلاح طلبی را دور خواهد
زد. جنبش مردم ایران در حال
دورخیز گرفتن است. شعله های خشم
مردم همچون سمندر از زیر خاکستر
خواهد جهید و جمهوری اسلامی را در
کلیت آن سرنگون خواهد کرد و برای
اعتلای کشور ایران و سربلندی مردم
ایران قوانینی تدوین خواهد کرد که در
آن دموکراسی به معنای واقعی تضمین
شده باشد، حقوق زن و مرد برابر
شناخته شود، سرمایه داری مهار شده
باشد و حقوق کارگران و زحمتکشان در
آن منظور شده و تامین اجتماعی برای
همه انقدر باشد که هیچ کودکی از
تحصیل محروم و به اعمال شاقه وادار
نشود و هیچ زنی مجبور نباشد به خاطر
حفظ آبرو، ستم مرد خانواده را تحمل
کند یا از ناچاری در خیابانها
خودفروشی کند.

به امید روزی که همه انسانها فارغ
از تبعیض مذهبی، جنسی، نژادی و
ملی با امکانات برابر در صلح و آرامش
کنار یکدیگر زندگی کنند و هیچ دادگاه
تفتیش عقایدی به شیوه قرون وسطا
برگزار نشود. و چنین روزی فرا خواهد
رسید چرا که فرا راه تکامل قرار دارد.

شهناز بیات - آلمان

در گوشه و کنار جهان



جعفر پویه

info@jonge-khabar.com

صدور دموکراسی امپریالیستی با زور ارتش تا دندان مسلح ناتو به یوگوسلاوی، همراه با جنایاتی است که این روزها گوشه ای از آن بر ملا شده است. بکارگیری تسلیحاتی که موجب آلودگی به مواد رادیواکتیویته در محیط می شود به اندازه ای است که سربازان ناتو نیز به آنها آلوده شده اند و امروز آمار مرگ و میر تعدادی از آنها از کشورهای مختلف عضو این پیمان جنگ افروزی منتشر می شود. سوای از تبلیغات گوش کر کن این کشورها در مورد قتل عام مسلمانان کوروو که امروز طبق آمارها منتشره می آبرویی جدیدی برای آنان است، آنها در حملات علیه مواضع نظامی و غیر نظامی از موادی استفاده کرده اند که عمق فاجعه بار آمده سالیان سال دامن انسانهایی را خواهد گرفت که قربانیان توسعه طلبی سرمایه جهانی برای بدست آوردن بازارهای جدید شده اند. ابتلا به انواع گوناگون بیماری از جمله سرطانیهای مختلف و آلودگی محیط زیست به این مواد و ترس از عواقب گرفتاری به بیماری های لاعلاج سوغات دموکراسی امپریالیستیها به مردم کوروو و یوگوسلاوی است. در خواست برای محاکمه فرماندهان ناتو به عنوان جنایتکاران جنگی و کشاندن آنها به پای میر محاکمه حد اقل خواستی است که باید جامعه جهانی آنرا درخواست کند. و الا بعد از عراق، یوگوسلاوی و کوزوو باید منتظر جنایاتی مشابه در دیگر نقاط جهان باشیم.

ترکیه



بنا به گزارش خبرگزاری های مختلف از آنکارا در تاریخ ۳۰ دی بستگان زندانیان سیاسی در ترکیه به تهاجم همزمان نیروهای امنیتی این کشور به ۲۰ زندان در خیابانهای استانبول راهپیمایی کردند و بر حورود وحشیانه پلیس ترکیه را غیر انسانی خواندند. پلیس برای متفرق کردن حویشاوندان زندانیان وارد عمل شد و در نتیجه درگیری میان دو طرف تعدادی زخمی شدند. یورش نیروهای امنیتی ترکیه به زندانهای کشور ۱۹ کشته و ۵۷ زخمی بر جا گذاشت. هدف از این

یورش پایان دادن به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بود.

در این حال سازمان دیده بان حقوق بشر روز قبل محاصره زندانیان توسط نیروهای امنیتی ترکیه را که با هدف سرکوب مقاومت زندانیان در برابر اصلاحات زندان انجام شده و تا کنون ۱۹ کشته بر جای گذاشته است را محکوم کرد.

گروهی از کردهای مخالف دولت ترکیه در انگلیس برای ابراز همستگی با زندانیان بنای یادبود



هزاره را در لندن محاصره کردند. همچنین صدها نفر از مخالفان دولت ترکیه به یک شعبه بانک ترک در پاریس حمله بردند.

بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه در ۳ دی حمله پلیس ترکیه به ۲۰ زندان این کشور با تصرف زندان عمرانیه در استامبول در خاتمه چهار روز عملیات که دست کم ۲۷ کشته و بیش از ۱۰۰ مجروح بر جای گذاشت، خاتمه یافت. حکمت سامی ترک وزیر دادگستری ترکیه ضمن اعلام پایان سرکوب زندانیان اعتصابی گفت: ۴ زندانی در عمرانیه جان خود را از دست دادند، اما او اشاره ای به شرایط مرگ این زندانیان نکرد. وزیر دادگستری ترکیه گفت: اکثر این مرگ ها بر اثر خود سوزی زندانیان بوده است. یکی از زندانیان عمرانیه در حالی که با لباسهای آتش گرفته خود به سوی ماموران امنیتی می دوید به ضرب گلوله آنها از پای در آمد. حکمت سامی ترک همچنین تعداد مجروحان چهار روز عملیات پلیسی را ۱۳۱ تن ذکر کرد.

در همین حال جمعی از ترکهای مقیم آلمان دفتر خبرگزاری رسمی آلمان در شهر فرانکفورت را به اشغال خود در آوردند و خواستار انتشار بیانیه خود در مورد اوضاع سیاسی در ترکیه شدند.

صدها تن از کردهای مقیم اطیش در اعتراض به حمله ارتش ترکیه به زندانها و کشته شدن زندانیان این کشور در وین تظاهرات کردند.

خبرگزاری فرانسه در ۵ دی طی گزارشی نوشت، نیروهای امنیتی ترکیه در عملیات گسترده سرکوب زندانهای این کشور از مواد شیمیایی زیان آور و بمبهای آتشنا استفاده کرده اند. بنابر همین گزارش بنیاد حقوق بشر ترکیه در بیانیه ای اعلام کرده است زندانیان زندان بایرام پاشا در استامبول ادعا کرده اند که نیروهای امنیتی بر روی آنها پودری پاشیده اند که به محض برخورد با پوست بدن، آنها را می سوزاند. در بیانیه آمده است بر اساس یک ادعای دیگر نیروهای امنیتی طی عملیات چهار روزه سرکوب بیست زندان این کشور دست کم در زندان بایرام پاشا از بمبهای آتش زا استفاده کرده اند. مقامهای ترکیه گفته اند ۱۶ زندانی به فرمان گروههای غیرقانونی افراطی چپ خودسوزی کرده اند. اما این بنیاد گفت: کالبد شکافی

چند نفر از قربانیان ادعای استفاده نیروهای امنیتی از مواد شیمیایی را تأیید می کند. این سازمان خواستار تشکیل هیات مستقلی از پزشکان و کارشناسان برای تحقیق در مورد استفاده نیروهای امنیتی از مواد شیمیایی در عملیات سرکوب زندانها شده است.

کره جنوبی

خبرگزاری فرانسه ۵ دی - هزاران نفر از کارکنان اعتصابی بانکهای کره جنوبی با تقویت مواضع خود به رویارویی با پلیس ضد شورش شدت بخشیدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از ایلسان، پلیس که با هلیکوپتر محل تجمع معترضان در محوطه مرکز آموزشی یکی از بانکها در حومه سنول را زیر نظر داشت، خواستار پایان اعتصاب شد، اما کارکنان اعتصابی همچنان به سر دادن شعارهای ضد دولتی ادامه دادند. در حالی که حدود ۳۰۰۰ پلیس ضد شورش نیز اطراف این محل را به محاصره خود در آوردند. پانزده هزار تن از کارکنان بانکها در اعتراض به ادغام دو بانک بزرگ این کشور در محوطه بانکی در حومه شمالی سنول اجتماع کرده اند. کارکنان اعتصابی می گویند این ادغام موجب کاهش شدید فرصتهای شغلی و اخراج شمار زیادی از کارمندان می شود. اعتصاب کنندگان با برپایی چادر موقت در این محل، محوطه را به صورت اردوگاه آوارگان در آورده و تهدید کرده اند در صورت مداخله و ورود نیروهای پلیس به محوطه تظاهرات ضد دولتی گسترده راه خواهند انداخت.

جاکارتا

خبرگزاری فرانسه ۵ دی - انفجار چندین بمب همزمان با جشن کریسمس در کلیساهای شهرهای مختلف اندونزی دست کم ۱۴ کشته و بیش از ۴۷ مجروح بر جای گذاشت که حال آنها وخیم گزارش شده است. به گفته منابع پلیس، در مجموع ۱۸ بمب در ۸ شهر اندونزی از جمله جاکارتا منفجر شد که دو تن از نیروهای پلیس را نیز از پای در آورد و ۱۱ تن دیگر را نیز مجروح کرد. به گفته همین منبع، پلیس موفق شد ۱۵ بمب دیگر از جمله ۱۳ بمب در مدان در جزیره سوماترا و ۲ بمب را نیز در جاکارتا بموقع کشف و خنثی کند. این بمبهای ساعتی بین ۳/۵ تا ۴ کیلو گرم وزن داشتند و برای انفجار در ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه به وقت محلی تنظیم شده بودند.

جان لوکاره

تایمز لندن ۱۲ دی - جان لوکاره نویسنده معروف انگلیسی و نویسنده رمانهای جاسوسی در مصاحبه با روزنامه تایمز لندن گفته است که خودش هم روزی جاسوس بوده است. او می گوید هنگامی که تحصیل می کرده عضو سرویسهای اطلاعاتی انگلیس بوده است. لوکاره که امروز ۶۹ سال دارد، تعریف می کند که پنهان وارد منزل افراد شدن و یا انتقال پیامهای محرمانه یک کار هیجان انگیز است و برای نوشتن رمانهایش از همین تجربه های جوانی الهام گرفته است. او می گوید بدفعات از سوی ارتش و شاحه های غیر نظامی سرویس های اطلاعاتی استخدام شده و توضیح می دهد وقتی موقعیت این کار دست داد، بطرز وحشتناکی مجذوب آن شد. لوکاره همچنین تعریف می کند وقتی که دهه شصت دیوار برلین را می کشیدند او یک عضو ساده سرویس های اطلاعاتی بوده است. بقیه در صفحه ۱۸

در گوشه و کنار جهان

بقیه از صفحه ۱۷

مرگ سربازان کشورهای ناتو

راديو بي بي سي ۱۲ دی - مرگ ۶ سرباز ایتالیایی و ابتلاي تعداد بیشتری از سربازان ایتالیایی، هلندی و بلژیکی به نوعی بیماری خاص که در آغاز به مرض خلیج فارس معروف شد، موجب نگرانی گسترده مقامات کشورهای عضو ناتو در اروپا شده است. به گزارش راديو بي بي سي، مطبوعات ایتالیا بعد از مرگ شش سرباز ایتالیایی که سرگرم خدمت در بالکان بودند، نگرانی عمومی را در این مورد منعکس کرده اند. به نوشته این مطبوعات، ۴ سرباز دیگر ایتالیایی نیز تحت آزمایش دقیق در مورد این بیماری خاص هستند. مقامات هلند و بلژیک موارد دیگری از این بیماری را در میان سربازان شاغل به خدمت خود در بالکان گزارش کرده اند. اسپانیا و پرتغال نیز اعلام کرده اند آزمایشات دقیق را بر روی نیروهای خود که در بالکان خدمت می کنند، آغاز کرده اند.

بنا به این گزارش بیماری خاصی که مسئله آفرین شده است از اورانیوم بکار رفته در مواد منفجره که علیه تانکها استفاده می شوند، ناشی می شود. در واقع، اولین بار در جنگ آمریکا علیه عراق در خلیج فارس بود که از این بیماری صحبت شد و از آنجا که اولین بار بود که عوارض این نوع بیماری بر روی سربازان آمریکایی شرکت کننده در جنگ خلیج فارس مشاهده می شد این بیماری به نام مرض خلیج فارس نامیده شد، اما بعدا نام دیگری گرفت. متخصصان امور بهداشت می گویند اورانیوم و سایر فلزات سنگین مورد استفاده در گلوله های تانک و مواد منفجره ای که علیه تانکها بکار می رود موجب نوعی مسمومیت شدید در افرادی می شود که هنگام انفجار این مواد در محل هستند.

فیلیپین

خبرگزاریها مانیل ۱۷ دی - هزاران تظاهر کننده فیلیپینی در حالیکه در اعتراض به روند دادرسی ژوزف استرادا رئیس جمهور این کشور دستها و دهان خود را بسته بودند، در مقابل ساختمان سنا در مانیل تجمع کردند. تظاهر کنندگان همچنین استرادا را متهم کردند برای سلب توجه مردم از خطاهایش و اتهاماتی که به او وارد آمده، بمبگذاریهای اخیر (۴۰ کشته و بیش از ۱۲۰ مجروح) را تدارک دیده است.

آلمان



خبرگزاری فرانسه ۱۹ دی - ۱۰ هزار نفر از مردم آلمان علیه خشونت‌های نئونازیها در شهر کوبتوس دست به تظاهرات زدند که به محل حملات نژادپرستانه مکرر تبدیل شده است. به گفته منابع پلیس، این تظاهرات که مهمترین تظاهرات از هنگام سقوط دیوار برلین است، نشان می دهد که کوبتوس هنوز بدست نازیهای کاملا دیوانه نیفتاده است. مانفرد اشتولپه معاون وزیر ایالت براندنبورگ که در این تظاهرات شرکت داشت، اظهار امیدواری کرد که کوبتوس به شهری تبدیل شود که درهای آن بروی همه باز باشد. او خواستار سخت شدن قانون شد تا نازیها بسرعت بازداشت و مجازات شوند. تصمیم به برگزاری این راهپیمایی اعتراض آمیز پس از حمله هفته گذشته چهار کله پوستی به پنج خارجی از جمله یک متقاضی پناهندگی لبنانی آغاز شد.

اکوادور

خبرگزاری رویتر ۲۲ دی - صدها تن از دانش آموزان و معلمان اکوادور در اعتراض به تصمیم دولت خود مبنی بر افزایش بهای سوخت و بالا رفتن نرخ کرایه حمل و نقل در سراسر این کشور دست به تظاهرات زدند. به گزارش رویتر از کیتو، ماموران پلیس در پایتخت برای متفرق ساختن تظاهرکنندگان، اقدام به شلیک گاز اشک آور کردند و آنها با پرتاب سنگ با ماموران درگیر شدند. در جریان تظاهرات کیتو بیش از پانصد تن از استادان دانشگاه و دبیران دبیرستان ها با ایجاد راه بنادان در خیابانها علیه سیاستهای اقتصادی گوستاو نوبوا رئیس جمهوری این کشور و روش هایی که صندوق بین المللی پول برای بهبود اوضاع اقتصادی اکوادور ارائه داده است، شعار دادند و خواستار عدم مداخله این صندوق در امور اقتصادی اکوادور شدند. دولت گوستاو نوبوا در تلاش برای تامین درآمد دولت از منابع گوناگون و افزایش تدریجی این درآمدها جهت کاهش کسری بودجه و ایجاد ثبات میان درآمد و هزینه های دولتی مبادرت به افزایش چشمگیر بهای بنزین و نرخ حمل و نقل عمومی کرده است. دولت اکوادور همچنین نرخ حمل و نقل درون شهری را از آغاز سال جدید به میزان ۷۵ درصد افزایش داد.

بلغراد

خبرگزاری رویتر ۲۶ دی - یک آسیب شناس یوگوسلاوی می گوید حدود ۴۰۰ نفر از صربهای بوسنی از منطقه ای که در سال ۱۹۹۴ با بمبهای حاوی اورانیوم ضعیف شده ناتو بمباران شد، به سبب ابتلا به انواع سرطان جان باخته اند. به گزارش رویتر از بلغراد، دکتر زوران استانکوویچ رئیس بخش پزشکی آکادمی ارتش یوگوسلاوی در بلغراد گفت: این مرگ و میرها با مهمات رادیواکتیو ارتباط دارد. او گفت این قربانیان بخشی از یک گروه ۴ هزار نفری از صربها هستند که از منطقه هدزیک در نزدیکی ساریوو به براتوناک در شمال شرق پایتخت بوسنی منتقل شده اند. تیم تحقیقات سازمان ملل تایید کرده که بررسی هشت محل از مکانهای بمباران شده از سوی ناتو در کوزوو و تحقیق بر روی ۳۴۰ آزمایش انجام گرفته نشان می دهد که میزان رادیواکتیویته این محلها بسیار بالاتر از حد مجاز است. در همین حال گزارش شد



است که دادستان دادگاه بین المللی جنایات جنگی در لاهه اعلام کرده است استفاده از بمبهای حاوی اورانیوم غنی نشده می تواند عواقب وخیمی بر مردم منطقه بمباران شده داشته باشد. ناتو در جریان جنگ کوزوو بیش از ۳۱۵۰۰ گلوله حاوی اورانیوم غنی نشده و در خلال جنگ بوسنی هرزگوین و دیگر مناطق نزدیک، بین سالهای ۹۵-۱۹۹۴ میلادی ۱۰۸۰۰ گلوله از این نوع مورد استفاده قرار داد. گفته می شود اورانیوم در کوزوو جان ۱۰ هزار نفر از مردم این منطقه را تهدید می کند.

ریودونزائرو

خبرگزاری فرانسه ۲۶ دی - بیش از ۱۰ هزار نفر از مخالفان جهانی سازی همزمان با کنفرانس اقتصادی داووس (سوئیس) در جنوب برزیل گرد هم خواهند آمد. به گفته برگزارکنندگان این کنفرانس که در روزهای ۲۵ تا ۳۰ ژانویه تشکیل می شود، نزدیک به ۳ هزار نماینده سازمانها و انجمنهای مختلف هر روز صبح در چهار کنفرانس پیش بینی شده شرکت خواهند کرد و سایر شرکت کنندگان در کنفرانس هر روز بعد از ظهر از ۴۰۰ کارگاه که در دو دانشگاه پورتوالگره (مرکز ایالت ریو گراند دوسول که از ۱۶ سال پیش توسط حزب کارگران اداره می شود) دایر خواهد شد، دیدن خواهند کرد. بیش از ۹۰۰ سازمان غیر دولتی نیز نمایندگان خود را به این کنفرانس اعزام خواهند داشت. فهرست سخنرانان ملی و بین المللی به ۱۰۰ اسم می رسد، اما هنوز انتشار نیافته است. کنفرانس ضد جهانی سازی برزیل حول چهار محور عمده، تولید ثروت، دسترسی به منبع ثروت، تایید جامعه مدنی، و قدرت سیاسی و اخلاقی برای یک جامعه نوین تشکیل خواهد شد. خوانو پدرو استدیله نماینده جنبش کشاورزان بدون زمین، گفت مبارزه علیه باز پرداخت بدهی خارجی و مالیات بندی معاملات مالی برای کمک به شهروندان نیز از دیگر محورهای گفتگوها خواهد بود. پیشنهادات مطرح و تصویب شده در پورتوالگره تسلیم نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که در آوریل آینده در واشنگتن برگزار می شود خواهد شد. ژوزه بوهو رئیس سندیکای کشاورزان فرانسه، نلسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی، خوزه ساراماگو برنده جایزه ادبیات نوبل و نورا کورتیاس آرژانتینی رئیس اتحادیه مادران میدان مه نیز در شمار شرکت کنندگان خواهند بود.

نبرد خلق

نبرد خلق - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
 - مسئول: زینت میرهاشمی
 - جیب: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده عبرت این سازمان است. اما بدیهی است که از جناب مغللات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و مدح نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجرد می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مصلحتی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

اروپا	۷۵ فرانک فرانسه
آمریکا و کانادا	۱۸ دلار آمریکا
تک شماره	۷ فرانک فرانسه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
 - تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
 - جنبش پیششار فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
 - تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزئی
 - چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزئی
 - ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز یویان
 - سرنگونی رژیم و ضرورت «دولت موقت» از مهدی سامع

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیششار فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزئی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزئی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز یویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت «دولت موقت» از مهدی سامع
- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم
- طرحهای شورای ملی مقاومت
- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی
- ۷- سنگر مقدم: لنینیسم از منصور امان
- ۸- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۹- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۰- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۱- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۲- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۳- سوسیالیسم و سندیکاها
- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- نویسنده: ماکس ادلر، مترجم: کریم قصیم
- ۱۴- گفتگو با مارگرت میچرلینس، مترجم: کریم قصیم
- ۱۵- زنان و پیکار جهانی برای رهایی، تهیه و ترجمه: شهناز جدیدی (لیلا)

وقایع مهم سال ۲۰۰۰

(قسمت اول)

گردآوری و تنظیم: لیلا
 اول ژانویه - سال ۲۰۰۰ فرا رسید بدون آن که هیچ یک از پیش بینیهای که در مورد اختلال در سیستم کامپیوتری صورت گرفته بود، به وقوع بپیوندد.
 ۱۰ ژانویه - (AOL - America on lin) اقدام به خرید کمپانی (Time warner) کرد. این بزرگترین ادغام دو کمپانی در تاریخ بوده است.
 ۱۶ ژانویه - Ricardo Lagos به عنوان اولین رئیس جمهور سوسیالیست در کشور شیلی پس از سالوادور آلنده انتخاب شد.
 ۲۱ ژانویه - مادر برگر Elian gonzalez از کوبا به ایالات متحده می آید تا او را به کوبا بازگرداند.
 ۳۰ ژانویه - هواپیمای کنیایی دقیقی پس از پرواز در ایبوجان (Ivory Coast) سقوط کرده و تمامی ۱۶۹ تن مسافران آن جان خود را از دست دادند.
 ۳۱ ژانویه - هواپیمای الاسکا شماره پرواز ۲۶۱ در اقیانوس سقوط کرد و تمامی ۸۸ تن مسافر آن جان خود را از دست دادند...
 ۴ فوریه - دولت ائتلافی اتریش با شرکت حزب کاملاً راست تشکیل می شود این واقعه اعتراض شدید اتحادیه اروپا را بر می انگیزد.
 ۲۵ فوریه - ۴ پلیس نیویورکی پس از آن که با شلیک ۴۱ گلوله یک مهاجر آفریقایی بدون سلاح به نام Amadu Diallo را به قتل رساندند، کاملاً تبرئه شدند.
 ۲۹ فوریه - یک پسر ۶ ساله همکلاسی خود در کلاس اول دبستان در میشیگان با شلیک گلوله به قتل رساند.
 ۳ مارس - آگوستینوشه دیکتاتور شیلی پس از آن که ۱۶ ماه توسط دادگاه انگلیسی به خاطر جنایت و شکنجه مردم شیلی تحت بازداشت قرار داشت، آزادانه به شیلی بازگشت.
 ۶ مارس - دو پلیس سفید پوست نیویورکی برای حمله وحشیانه به مهاجر حشبه ای به نام Abner Louima و مخفی کردن این جنایت مقصر شناخته شدند.
 ۱۸ مارس - ۱۲۰ نفر پیروان Damsolay در آتش سوزی در کلیسا به قتل می رسند. این واقعه آمار قتل دسته جمعی مربوط به این فرقه مذهبی را به ۷۷۸ تن رساند.
 ۲۰ مارس - جان پل رهبر مسیحیان جهان برای اولین بار رسماً به اسرائیل سفر کرد.
 ۲۶ مارس - فیلم آمریکای زیبا (فیلمی از وضع زندگی آمریکائیهها) برنده ۵ جایزه اسکار که شامل بهترین فیلم سال نیز است، شد...
 ۲۹ مارس - اوپیک تصمیم گرفت که تولید نفت خالص را به مقدار ۶/۳ درصد افزایش دهد.
 ۹ آوریل - کره جنوبی و کره شمالی برای اولین بار پس از جدایی در سال ۱۹۴۵، برای نشست مشترک تاریخ تعیین کردند.
 ۱۱ آوریل - یک گروه فرانسوی ضد نژاد پرستی از شبکه اینترنتی "yahoo" به خاطر پذیرایی از سایتهای وابسته به نازیها به دادگاه شکایت کرد.
 ۱۵ آوریل - بزرگترین سقوط هواپیمایی در فیلیپین که در آن ۱۳۱ تن جان خود را از دست دادند.
 ۳ مه - رئیس جمهور موزامبیک تقاضای کمک برای صدها هزار خانواده ای که به خاطر سیل خانه های

خود را از دست دادند، کرد. در این فاجعه حداقل ۷۰۰ تن جان خود را از دست دادند.
 ۵ مه - یک چپ رادیکال شهردار لندن شد.
 ۷ مه - ولادیمیر پوتین در اولین انتقال دموکراتیک قدرت بعد از انقلاب اکتبر، رئیس جمهور روسیه شد.
 ۱۵ مه - جنگجویان سیرالئون ۱۳۹ تن از ۵۰۰ تن محافظان صلح سازمان ملل را که در اسارت خود داشتند آزاد کردند.
 ۲۰ مه - ۵ قدرت بزرگ شورای امنیت برای حذف سلاحهای اتمی به توافق رسیدند.
 ۲۲ مه - آخرین سربازان و تانکهای اسرائیلی که جنوب لبنان را برای ۲ دهه اشغال کرده بودند این کشور را ترک کردند.
 ۴ ژوئن - کلیتون و پوتین نشست خود را با توافق بر موضوعاتی از قبیل موشکهای دفاعی، نابودی سلاحهای نوع پلوتونیوم و غیره ... به پایان رساندند.
 ۶ ژوئن - unilever با خرید best Food سه مبلغ ۲۰/۳ میلیارد دلار تبدیل به بزرگترین کمپانی مواد غذایی جهان گشت.
 ۱۰ ژوئن - حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در اثر بیماری قلبی فوت کرد.
 ۱۳ ژوئن - کره شمالی و کره جنوبی با تعهد به پیوستن به یکدیگر نشست خود را پایان دادند.
 ۱۴ ژوئن - Babtist ها که صدها هزار نفر پیرو دارند اعلام کردند که زنان نمی توانند پیشوا باشند. این امر سبب اعتراض بسیاری از پیروان این شاخه ی مسیحیت شد.
 ۲۴ ژوئن - پس از ماهها تظاهرات، درگیری و خشونت در زیمبابوه مردم به سوی صندوقهای رأی رفتند تا در بی سابقه ترین رقابت انتخاباتی از زمان استقلال شرکت کنند.
 ۲۷ ژوئن - جمهوریخواهان مجلس آمریکا سرانجام پس از ۴۰ سال فروش مواد غذایی به کوبا را آزاد کردند.
 (ادامه دارد)

از وان چه خبر ؟

بقیه از صفحه ۲۰
 اعتراض من یک بازجویی یک ساعته بود. پلیس از پناهجویانی که با من صحبت می کردند با تهدید خواست که راجع به وضعیت خود با من صحبت نکنند. خود شهر وان که به تازگی از درگیریهای مسلحانه بین نیروهای پ. ک. ک و ارتش ترکیه فارغ شده در عین حال محل تردد شدید نیروهای امنیتی و نظامی دولت ترکیه است. همین امر آزادی عمل پناهجویان را کمتر می کند. بدون استثناء همه هموطنان ما دچار سوء تغذیه هستند. آب آشامیدنی غیر بهداشتی، نداشتن توانایی مالی برای خریدن نیازمندیهای روزمره انسانی یک مشکل جدی است. خانواده هایی که خود نموی خوردند ولی سعی می کردند مشکل تغذیه کودکان خود را حل کنند.
 داستان غم انگیز مهاجرت ادامه دارد. هر روز به تعداد پناهجویان اضافه می شود و هر روز ایرانیانی که از ستم رژیم استبدادی ولایت فقیه به جان آمده اند از وطن و عزیزان خود جدا می شوند. خانم مسنی که در جلوی در UN با نوه خودش بازی می کرد (در میان خاکها می گفت بر باعث و بانی اش لعنت !!
 ص. استرالیا

NABARD - E - KHALGH

No : 188 20. Dec Jan . 2001 / Price: \$ 1 - 2 DM - 7 Fr

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: USA / 1- 703 904 78 10 / Italia / 39 - 085 802 23 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE
NABARD / Postbus 593 / 6700 AN-Wageningen / HOLLAND
NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND
NABARD / Postfach 102001 / 50460 Köln / GERMANY
NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by: NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank: SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادت فدایی بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - منیژه اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه افدرنیا - جعفر محتشمی - پوران بدالهی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام - کیومرث سنجر - حسن فرجودی - حسین چوخاچی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانواب (جهان) - فرشاد مرعشی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی - اردبیلی - قاسم سجادتی - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نورائی - اکبر پارسی کیا - عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد بزدانی - اسماعیل بزرگر - فریبون باته ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - مسیرحمد درخشنده (توماج) - عبدالکریم مختوم - واحدی - حسین چرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلسترخی - کرامت دانشیان - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.

می گیرد). مرحله بعد مسأله مسکن است که پیدا کردن آن بسیار مشکل است و بسیار گران. هزینه طاقت فرسای کرایه خانه و پول پیش، هزینه خوراک و پوشاک و بهداشت واقعاً کمرشکن است. با نهایت تأسف شاهد اختلافات خانوادگی در بین پناهجویان هستیم که منشاء آن بی پولی و بلا تکلیفی و بیکاری است (پناهجو حق کار ندارد). در این شهر کوچک ۶ هزار پناهجوی عراقی نیز وجود دارند که خود مشکل مسکن را نگرانتر می کند. بودجه ای که سازمان ملل برای تحویل مستمری به پناهجویان از دفتر مرکزی UN دریافت می کنند بین کارمندان آن دفتر و پلیس ترکیه تقسیم می شود و هیچ پناهجویی حق اعتراض ندارد وقتی نگارنده به این وضع اعتراض کردم جواب بقیه در صفحه ۱۹

از وان چه خبر؟

شهر کوچک وان در شرق ترکیه همسایه استان آذربایجان غربی است. بعد از روی کار آمدن رژیم استبدادی مذهبی جمهوری اسلامی هر روزه شاهد مهاجرت ایرانیانی هستیم که از کوههای صعب العبور غرب سلماص و حوی و ارومیه با قاطر و یا پیاده رویهای طاقت فرسا با زن و بچه های خردسال به این طرف وان می آیند و در دفتر سازمان ملل متحد درخواست پناهندگی می کنند. همین داستان مهاجرت داستان غریبیست. بعضیها خانه را فروخته اند خرج سفر کرده اند بعضیها طلا و جواهرات همسر و فرش زیر پای خود را فروخته اند، بعضیها قرض گرفته اند و بعضیها از نداری خود اقدام کرده اند و پول به قاچاقچی نداده اند. ایرانیانی که جرمشان فقط دگراندیشی است.

در شهر وان نزدیک به ۵ هزار ایرانی مهاجر وجود دارد. قریب به ۲ هزار نفر از این هموطنان به خاطر اعتقاد به مذهب بهایی ترک وطن کرده اند. این آمار خود نشان از این دارد که این هموطنان چقدر تحت فشار و تبعیض مذهبی هستند. هموطنان ارمنی ذرتشتی، اسماعیلیه، تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران حتی تعدادی از پاسداران انقلاب اسلامی که اعتقاد به پوچی رژیم داشته و اعتراضاتی کرده اند و گویا زندگیشان در خطر بوده در شهر وان به زندگی سخت دوران مهاجرت ادامه می دهند.

وقتی پناهجویی به شهر وان می رسد دو هفته تا سه ماه طول می کشد که تا بتواند به داخل دفتر UN برود. پلیس جلوی دفتر با تحقیر و اهانت هموطنان پناهجو را اذیت می کند و در قبال اخذ رشوه پناهجو می تواند به داخل رود و بعد باید به اداره امنیت رفته و کارت شناسایی بگیرد و در ضمن طریق آمدن خود را برای اداره امنیت ترکیه شرح دهد (امنیت ترکیه به امنیت استان آذربایجان غربی همکاری بسیار نزدیکی دارند و هر هفته در وان یا ارومیه بین آنها ملاقاتی صورت

محمود مهدوی محمود قائمشهر در پاسخ به موج جدید سرکوب و اعدام و مجازاتهای وحشیانه جوانان در تهران و شهرستانها صورت گرفت و طی آن مقرر آخوند جنایتکار یونسی و مرکز کار شقی ترین جلادان و شکنجه گران و کثیف ترین جاسوسان و تروریستهای حکومت آخوندی، در هم کوبیده شد.

در همین ایام خیمه شب بازی مفتضح دادگاه در بسته قتلهای زنجیره بی برای سرپوش گذاشتن بر جنایتهای اطلاعات آخوندی با توافق خامنه ای و خاتمی، جریان دارد. ۵ روز پیش آخوند یونسی وزیر جاسوسی و آدمکشی رژیم آخوندی در این باره گفت: غیرعلنی بودن دادگاه قتلهای زنجیره بی بر اساس مصالح ملی است چرا که ۱۸ نفر از پرسنل وزارت اطلاعات در این دادگاه محاکمه می شوند که لزومی ندارد چهره آنان شناخته شود

اما غرش پیای خیمه ها، که صدای آن امشب در مناطق وسیعی از شمال تهران به گوش می رسد، ارگانهای سرکوبگر رژیم را آن چنان وحشت زده کرد که از گوشه و کنار به سمت وزارت اطلاعات سرازیر شدند و با دایر کردن پستهای ایست و بازرسی در نقاط مختلف شهر، به بازرسی و دستگیری عابران پرداختند.

وزارت اطلاعات، در میان مراکز سرکوب و کشتار آخوندها، از بیشترین حفاظت برخوردار است و خیابانها و مناطق اطراف آن همواره تحت کنترل می باشد. این ترتیبات حفاظتی پس از دو تهاجم متهورانه مجاهدین به این وزارتخانه در بهمن ماه ۱۳۷۷ و تیرماه ۱۳۷۹ دو چندان شده بود.

در سوگ محمود مهدوی



فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران آقای مسعود رجوی با درودهای گرم انقلابی، با تأثر و تأسف بسیار از جانب خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت فرمانده دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران مجاهد خلق محمود مهدوی را به شما و تمامی رهروان راه آزادی تسلیت می گویم. سیمای انسانی و سرشار از عشق و ایمان این فرمانده دلیر ارتش آزادی هرگز از خاطره آنهایی که او را دیده اند، محو نخواهد شد. یاد و خاطره اش گرامی باد.

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مهدی سامع
۷ دی ماه ۱۳۷۹

خیمه باران وزارت اطلاعات

عملیات سردار مازندران محمود قائمشهر

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: "ساعت ۶.۵ بعدازظهر امروز، شنبه ۲۴ دی ماه، ۱۳۷۹ واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین در تهران مقر اصلی وزارت اطلاعات آخوندی در خیابان پاسداران (سلطنت آباد) تهران را برای سومین بار خیمه باران کردند. این عملیات پیروزمند در قلب تهران با نام و یاد سردار مازندران و فرمانده فقید ارتش آزادی ستان مجاهد خلق